تحلیل تأثیرات مخاطرات محیطی بر پایداری امنیت نواحی روستایی مرزی (مورد شناسی: روستاهای سروآباد کردستان و درمیان خراسان جنوبی)

عبدالمجید احمدی * **(استادیار و هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه بزرگمهر قائنات)**

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۳۹۸
صفحات: ۱۸۸-۱۶۱



کلید واژه‌ها:
امنیت پایدار، مخاطرات محیطی، بحران‌های محیطی، نواحی روستایی مرزی شهرستان‌های مریوان و درمیان.

چکیده

تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، لازمهٔ مدیریت و سازگاری با تهدیدهای نوینی است که مختل‌کنندهٔ آن هستند. در این میان، یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده، مخاطرات محیطی است که با توجه به شرایط اقلیمی و توپوگرافی کشور و همچنین، ضعف‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و نهادی در سطح محلی، می‌تواند با تبدیل‌شدن به بحران، موجب آسیب‌پذیری و برجای‌گذاردن تأثیرات نامطلوب بسیاری بر عرصهٔ امنیت نواحی روستایی مرزی شود. دراین‌راستاپژوهش کاربردی حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته‌است، به بررسی وضعیت آسیب‌پذیری پایداری امنیت نواحی روستایی مرزی شهرستان سروآباد استان کردستان و درمیان استان خراسان جنوبی به‌واسطهٔ تداوم مخاطرات محیطی و تبدیل‌شدن آن‌ها به بحران‌هایی پرداخته که معضلات بسیاری بر کیفیت زندگی، به‌عنوان هستهٔ اصلی پایداری امنیت این نواحی برجای گذاشته‌اند. در این پژوهش آمیخته که در بخش کِیفی، با نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبهٔ نیمه‌ساختارمند با مدیران، صاحب‌نظران و آگاهان محلی عرصهٔ توسعه و امنیت نواحی روستایی مورد مطالعه و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها با تکنیک تئوری بنیادی، داده‌هایی گردآوری و سپس، در بخش کمّی نیز به‌دنبال توزیع ۱۰۰ پرسشنامه در میان این افراد و تجزیه‌وتحلیل آن‌ها با روش تحلیل عاملی و تحلیل مسیر، به تأیید آن‌ها پرداخته شده‌است. مهم‌ترین یافته‌های به‌دست‌آمده نشان دادند که تداوم بحران‌های حاصل از مخاطرات محیطی در نواحی روستایی دو شهرستان مذکور، موجب ایجاد ناپایداری در ابعاد مختلف امنیتی مناطق موردِمطالعه شده‌اند که این تأثیرات در ۵۳ شاخص در قالب ۳ عامل آیندهٔ ناپایدار امنیتی و معضلات سیاسی-نظامی، ناپایداری امنیت غذایی و محیطی-کالبدی و ناپایداری امنیت اقتصادی و اجتماعی و در سه عرصهٔ اصلی ناپایداری امنیت ملی، ناپایداری امنیت انسانی و ناپایداری آیندهٔ امنیتی منطقه، جای گرفتند. در این میان ناپایداری امنیت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی موجود، بیشترین تأثیر را (بار کلی برابر با ۰,۴۹۲) بر ایجاد ناپایداری امنیتی مناطق روستایی مرزی موردِمطالعه (وضع موجود و آینده) دارا بود.

* نویسنده مسئول: دکتر عبدالمجید احمدی
پست الکترونیک: Majid.Ahmadi@buqaen.ac.ir

مقدمه

مفهوم امنیت به آرامی و با توجه به تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی و گزارش سازمان‌های بین‌المللی، از وضع نامطلوب اوضاع اقتصادی و اجتماعی، تغییر معنا و مفهوم امنیت یافت (Richard and Basu ray,2007:457) که نقطهٔ عطف آن را بایستی از دیدگاه امنیت‌پژوهانی چون: بیسواس[1] (۲۰۱۱)، چاندلر[2] (۲۰۰۷)، براوچ[3] (۲۰۱۵)، مسجاسز[4] (۲۰۰۴)، بالدوین[5] (۱۹۹۷) و... پایان‌یافتن جنگ سرد و تغییرات ساختاری مرتبط با آن دانست که انقلابی را در تفکرات و تعریف امنیت از دیدگاه سنتی به دیدگاهی نوین دربردارندهٔ امنیت پایدار، ایجاد کرد (Brauch,2015:2؛ Biswas,2011:2؛ Chandler,2007: 367؛ Baldwin,1997:23؛ Mesjasz,2004:5). امنیت پایدار، با دیدی بلندمدت و آینده‌نگرانه، معطوف به بررسی شرایط و تهدیدهایی است که زندگی بهتر ساکنان را چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی، در بلندمدت تأمین می‌کند (Zala, 2010: 23). در این رویکرد، امنیت، به مقوله‌ای زمینه‌مند تابع شرایط محیط پیرامون افراد (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، طبیعی و...) مبدل شده‌است که فرد یا جامعه را فراگرفته و به رفتار، کنش و احساسات آن‌ها جهت می‌دهد (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۸ و علایی، ۱۳۹۱: ۷-۶)؛ بنابراین تهدیدها نیز متکثر و نوین شده‌اند (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). درواقع این مفهوم جدید امنیت، حاصل از تلفیق آن با وضعیت توسعه و قرارگرفتن کیفیت زندگی، در هستهٔ اصلی تأمین امنیت ساکنان است (Biswas, 2011:5؛ Chandler, 2007: 362؛ Khagram et all, 2003: 291؛ قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۷۵). دراین‌راستا، یکی از تهدیدهای نوین که در چارچوب امنیت پایدار، بدان پرداخته می‌شود، تهدیدهای ناشی از مخاطرات محیطی است که بیشتر در قالب تغییرات آب‌وهوایی و امنیت زیست‌محیطی در چند سال اخیر، مطرح شده‌اند، زیرا تغییرات آب‌وهوایی و مخاطرات ناشی از آن می‌تواند با اثرگذاری بر روی همهٔ زیست‌بوم‌ها، الگوهای اقتصادی و معیشتی را دگرگون ساخته و جوامع را با تهدید امنیت غذایی، امنیت بهداشتی و امنیت جانی، دچار آشفتگی می‌کند (علیزاده و پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۰۸؛ Khagram et all, 2003: 291؛ Ziervogel and Ericksen, 2010: 527). بلایای طبیعی، پتانسیل ایجاد بحران‌های بزرگ را به‌دلیل ضعف برنامه‌ریزی و آسیب‌پذیری بالای جوامع انسانی، دارا هستند (Etkin,2016:107). در نگاه اول؛ شاید تلقی مسائل و تنش‌های محیطِ‌زیستی و پیامدهای آن (مخاطرات محیطی) به‌عنوان یک مقولهٔ امنیتی تا اندازه‌ای عجیب به‌نظر برسد، ولی به‌دلیل تهدید کیفیت زندگی افراد، این مسائل در قلمرو مسائل امنیتی در آمده و به‌طور مستقیم بر امنیت ملی کشورها، اثرگذار هستند. مسائل محیطِ‌زیستی، می‌توانند به‌طور مستقیم بر اقتصاد کشورها تأثیر گذاشته، همبستگی اجتماعی را از بین برده و نظم سیاسی را دستخوش تغییر سازند (کریمی و احمدی، ۱۳۹۲: ۸۱). مخاطرات محیطی حاصل از تغییرات محیطی، زمانی که تبدیل به فاجعهٔ[6] طبیعی و بحران شوند، موجب ایجاد حس ناامنی در میان مردم محلی می‌شوند. در این ارتباط، بایستی عنوان کرد که اگر احساس امنیت مردم جامعه کمرنگ شده و کاهش یابد، ممکن است در مرحله اول آن را فقط به‌عنوان واقعیتی ذهنی، تلقی کنند؛ اما در مرحلهٔ بعد و به‌طور ناخودآگاه به‌عنوان پدیده‌ای بیرونی تلقی می‌کنند.

1. Biswas
2. Chandler
3. Brauch
4. Mesjasz
5. Baldwin
6. Catastrophes

نداشتن یا ضعیف‌دانستن امنیت، در وهلهٔ اول یک احساس تلقی می‌شود، اما در مرحلهٔ حادتر به‌صورت واقعیت یا پدیده‌ای اجتماعی، بروز می‌کند که در این مرحله به معضل و آسیب اجتماعی، تبدیل می‌شود و می‌تواند اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی را به‌عنوان تأمین‌کنندهٔ امنیت، تضعیف کند و با زیرِسؤال‌رفتن اقتدار و کاهش مشروعیت و وفاداری به نظام سیاسی، آن را با بحران‌های متعدد دیگری روبه‌رو سازد (میر و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۸۷؛ Biswas, 2011: 6). چنین شرایطی، زمانی که با فقدان عدالت و حمایت‌های اجتماعی تلفیق می‌شود، اثرات ناامنیِ به‌مراتب بیشتر و خطرناک‌تری خواهد داشت (مانند: شورش و گسیختگی سیاسی-اجتماعی). این امر، مسئله‌ای است که گریبان‌گیر بسیاری از مناطق آسیایی به‌ویژه خاورمیانه، منطقهٔ جنوب آفریقا و منطقهٔ آمریکای لاتین بوده و حتی ایالات متحده نیز مخاطرات محیطی را به‌دلیل ایجاد فقر، تنش‌های اجتماعی و تخریب محیطی به‌عنوان تهدیدی علیه پایداری امنیت ملی خود می‌داند (Department of Defense(U.S),2015:3؛ Zala,2010:3). در یک جمع‌بندی، مخاطرات محیطی زمانی که تبدیل به بحران شوند، کیفیت زندگی جوامع را به‌عنوان هستهٔ اصلی امنیت پایدار، مورد تهدید قرار داده و آن را تضعیف می‌کنند که این امر با توجه به ارتباط متقابل توسعه و امنیت در رویکرد امنیت پایدار، به معنی حرکت در مسیر ناپایداری امنیتی است. در این بین، در نواحی روستایی با توجه به ارتباط نزدیک و وابستگی شدید اقتصاد، اجتماع و هویت روستا به طبیعت، مخاطرات محیطی به‌عنوان یکی از عوامل تهدیدکنندهٔ نظام معیشت روستاییان و افزایش آسیب‌پذیری آن‌ها با ایجاد بحران‌های کوتاه و بلندمدت محسوب می‌شوند (WFP، 2008: 2). با توجه به ارتباط نزدیک فقر معیشتی و میزان آسیب‌پذیری در برابر رویدادهای طبیعی، روستاهایی که با فقر عجین شده‌اند، دارای آسیب‌پذیری معیشتی و شرایط بحرانی بسیار بالایی هستند (Moghim and Garna, 2019: 344؛ Quandt,2017: 253). اهمیت این امر، در نواحی روستایی مرزی چندبرابر است، چراکه مسئلهٔ امنیت در مرزها روند توسعه و امنیت کشور را متأثر کرده، به‌طوری‌که کشورهایی که مناطق مرزی آن‌ها درگیر ناامنی است دریافته‌اند که به دلایل مختلف این ناامنی‌ها گسترش یافته و به‌تدریج کل کشور را تحتِ‌تأثیر قرار می‌دهد. ناپایداری امنیتی در مرز، قادر به ایجاد ناپایداری امنیتی در سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی کشور است (مرادی، ۱۳۹۱: ۵۸۱۲). نواحی روستایی کشور به‌دلیل موقعیت جغرافیایی که وضعیت زمین‌ساختی و اقلیمی ویژه‌ای را برای آن‌ها ایجاد کرده‌است، با انواع مخاطرات محیطی روبه‌رو هستند که ضعف زیرساختی و انزوای اقتصادی و اجتماعی، موجب افزایش آسیب‌پذیری کیفیت زندگی آن‌ها از وقوع مخاطرات محیطی شده و قدر مسلم، این وضعیت به معنی بروز ناامنی‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی، جانی و احساس امنیت در میان روستاییان می‌شود که نتیجهٔ این امر، امنیت شکنندهٔ مرزهای کشور است که به نواحی داخلی نیز نفوذ خواهد کرد. دراین‌راستا دو منطقهٔ مرزی حساس و استراتژیک کشور که در پژوهش حاضر بدان پرداخته می‌شود، نواحی روستایی مرزی شهرستان سروآباد در استان کردستان، هم‌جوار با کشور عراق و نواحی روستایی شهرستان درمیان در استان خراسان جنوبی، هم‌جوار با کشور افغانستان هستند. این دو شهرستان، با دارابودن جمعیت روستانشین بالا (شهرستان سروآباد، قریب‌به ۸۲ درصد و شهرستان درمیان، قریب‌به ۷۸ درصد کل جمعیت شهرستان) (فرهنگ آبادی‌های ۱۳۹۵ شهرستان سروآباد و درمیان). در سال‌های اخیر، با تداوم مخاطراتی همچون: خشکسالی،

سیل، سرمازدگی محصولات و بهمن روبه‌رو بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای‌که به گفتهٔ مدیر جهاد کشاورزی شهرستان سروآباد، سرمازدگی و بارش شدید برف و تگرگ، امسال بیش از ۱۰۴ میلیارد ریال به کشاورزان محروم این منطقه، آسیب وارد کرده‌است. از سویی دیگر به‌دلیل کوهستانی و برف‌گیربودن منطقه، وقوع بهمن‌های متعدد، هرساله موجب مسدودشدن راه‌های ارتباطی روستاها و تهدید جانی روستاییان و متأسفانه جان‌باختن آن‌ها می‌شود. همچنین در چند سال اخیر که خشکسالی همانند بیشتر مناطق کشور در این منطقه نیز حکم‌فرما بود، در فصل گرم سال، شاهد کمبود آب برای باغداران و کشاورزان (ازبین‌رفتن باغات و کاهش کیفیت محصولات تولیدی و گردشگری روستایی در منطقه) و همچنین قطعی‌های مکرر منابع آب روستاییان بوده‌ایم. از سویی دیگر، در روستاهای شهرستان درمیان، مخاطرات خشکسالی و سیل، بسیار جلوه‌گر بوده‌اند و اقلیم خشک منطقه نیز بر وخامت اوضاع افزوده است؛ به‌گونه‌ای‌که براساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده (الوانکار و همکاران، ۱۳۹۵؛ فنی و علیجانی، ۱۳۹۳؛ رضیئی، ۱۳۹۴) این خشکسالی ۲۰ ساله که تداوم نیز خواهد داشت، موجب تلف‌شدن دام‌ها و ازبین‌رفتن مزارع و حتی افزایش بیماری‌ها در میان روستاهای منطقه شده‌است (به‌گفتهٔ مدیرعامل آب و فاضلاب خراسان جنوبی ۵۱ روستای شهرستان با تانکر آب‌رسانی می‌شوند). این شهرستان (درمیان) در سیل اخیر، ۷۰ میلیارد ریال دچار آسیب شد (مصاحبه با فرماندار شهرستان درمیان). با استناد به نتایج سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مرکز ملی آمار ایران، نتیجهٔ تداوم این مخاطرات که به‌دلیل ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت هم‌اکنون به بحران‌هایی اثرگذار تبدیل شده‌اند، کاهش کیفیت زندگی روستاییان بوده که نمود آن کاهش جمعیت روستاها در هر دو شهرستان، قریب‌به ۵ هزار نفر در هر دو دورهٔ سرشماری اخیر بوده‌است. مسلّم است که پیامدهای منفی ایجادشده ناشی از تداوم بحران‌های محیطی در منطقه، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم زیادی بر پایداری امنیتی در این شهرستان‌ها داشته است که با توجه به این اصل که پایداری در هر مکان و عرصه‌ای درصورتی می‌تواند دست‌یافتنی باشد که در وهلهٔ اول با ارزیابی وضع موجود پایداری، میزان تحقق و فاصله‌گیری وضع موجود از هدف اصلی، یعنی پایداری مشخص‌شده و موانع اصلی تحقق پایداری و چگونگی ارتباط و تعامل آن‌ها مشخص شود (نیک‌بین و کرمی، ۱۳۹۱: ۱۳۹ و Ignacio and Rivero, 2009: 280). دراین‌راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت پایداری امنیتی روستاهای این شهرستان‌های مرزی، به‌واسطهٔ اثرگذاری بحران‌های محیطی مؤثر بر آن‌ها انجام پذیرفته است تا برآیند این امر، در وهلهٔ اول شناسایی مهم‌ترین اثرات، پیامدها و درواقع ترسیم دید شفاف از وضع موجود و آیندهٔ پایداری امنیتی و در وهلهٔ بعد، ارائهٔ راهکارهای کاربردی درراستای نحوهٔ مدیریت و مقابله با این بحران‌های محیطی درراستای تأمین امنیت پایدار این شهرستان‌های حساس مرزی باشد. درراستای تحقق این هدف نیز سؤال‌هایی به شرح زیر مطرح شدند:

سؤال اول: مهم‌ترین پیامدهای تداوم بحران‌های محیطی بر پایداری امنیتی روستاهای شهرستان‌های مرزی سروآباد و درمیان کدام‌اند؟

سؤال دوم: مؤثرترین عامل یا پیامد بر وضعیت پایداری امنیت، در روستاهای شهرستان موردِمطالعه کدام‌یک از پیامدهای شناسایی‌شده هستند؟

پیشینهٔ پژوهش

بررسی پژوهش‌های مرتبط پیشین که تعدادی از آن‌ها در جدول زیر آورده شده‌اند، در وهلهٔ اول نشان از ضعف تئوریک موجود در زمینهٔ پرداختن به بحث

امنیت پایدار به‌ویژه در عرصهٔ داخلی و در نواحی روستایی مرزی کشور دارد. از سویی دیگر، نادیده‌گرفتن مخاطرات محیطی به‌عنوان یک تهدید بسیار جدی در عرصهٔ مدیریت امنیتی و ارتباط متقابل تأمین امنیت پایدار با توسعهٔ پایدار، موضوعاتی هستند که چندان در روش و نتایج پژوهش‌های پیشین و به‌ویژه دیدگاه مدیران توسعه‌ای و امنیتی کشور مطرح نشده‌اند. در این میان همان‌طورکه در نتایج پژوهش‌های زیر کاملاً مشخص است، مخاطرات محیطی و تهدیدهای محیط‌زیستی، اثرات ملموس و مستقیمی بر وضعیت امنیت مناطق تحت‌تأثیر آن‌ها برجای می‌گذارند، به‌گونه‌ای‌که به نگرانی عمدهٔ بین‌المللی تبدیل شده و امنیت بین‌المللی را نیز با تهدید مواجه ساخته‌اند. براین‌اساس در پژوهش حاضر، مطابق با اصل مهم پارادایم امنیت پایدار، با دیدگاهی ساختاری و ریشه‌ای سعی شده که با دید جامع، ارتباط یا اثرگذاری تداوم مخاطرات محیطی و تبدیل‌شدن آن‌ها به بحران در مناطق روستایی موردِمطالعه برروی عرصه‌های مختلف امنیتی و توسعه‌ای، سنجیده شود تا بتوان راهکارهای کاربردی متناسب با وضع موجود را ارائه داد.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین

محقق/ محققان و سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
زرقانی و همکاران (۱۳۹۷)	تحلیل آثار و پیامدهای امنیتی- اجتماعی خشکسالی با تأکید بر مرزهای شرقی ایران	مهم‌ترین پیامدهای منفی شامل ازبین‌رفتن مزارع و مراتع و محدودیت شدید تولید محصولات کشاورزی و دامی، ازبین‌رفتن تنها منبع درآمد قابل اتکای روستائیان، بیکاری، تشدید فقر و محرومیت، تشدید بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی، تشدید درگیری و نزاع محلی و منطقه‌ای، مهاجرت اجباری روستا شهری، ایجاد حفره‌های امنیتی، بیابان‌زایی، خشک‌شدن بستر رودها و دریاچه‌ها، طوفان شن، ریزگردها و تخریب زیست‌بوم‌ها و ازبین‌رفتن حیات جانوری و... است.
مختاری‌هشی، وزین و قادری‌حاجت (۱۳۹۶)	بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی سیستان و بلوچستان	مناطق روستایی استان در ابعاد مختلف امنیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی آسیب‌پذیر بوده و با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند.
بذرافشان و روستا (۱۳۹۵)	ارزیابی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در مناطق روستایی (مطالعهٔ موردی: بخش مرکزی جهرم)	تأثیر متغیرهای محیط فیزیکی، اقتصادی، اعتماد، رضایتمندی از وضع موجود بر احساس امنیت، معنی‌دار است و تأثیر متغیرهای جنسیت، تحصیلات، تجربهٔ جرم و سن بر احساس امنیت روستاییان در منطقهٔ موردِمطالعه معنی‌دار نیست.
حیدری‌فر و رضایی (۱۳۹۶)	ضرورت توجه به مخاطرات محیطی از رهیافت امنیت ملی (با تأکید بر امنیت زیست‌محیطی)	تشدید مخاطرات محیطی در چند سال آینده و آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی کشور موجب می‌شوند که در آینده، امنیت پایدار ملی کشور به‌واسطهٔ تخریب‌ها و آسیب‌های فراوان جانی و مالی حاصل از مخاطرات محیطی با تهدید جدی روبه‌رو شود.
رضازاده و همکاران (۱۳۹۳)	اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی (مطالعهٔ موردی: مرز خراسان جنوبی با افغانستان)	بین ایجاد اشتغال و تأمین امنیت در منطقه ارتباط معناداری وجود دارد و توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت، بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد.
کریمی و احمدی (۱۳۹۲)	پیامدهای امنیت ناشی از مخاطرات محیطی (زلزله) در شهر تهران	وقوع زلزله در کلان‌شهر تهران با اخلال در کارکردهای نظام شهری، سیستم سیاسی را مورد تهدید قرار می‌دهد و امنیت شهری را به مخاطره می‌اندازد. از

		سـویی دیگـر، وضـعیت اجتمـاعی تهـران، دارای ظرفیـت‌هـای بحـران‌زایـی گسترده‌ای است که درصورت وقـوع زلزلـه، بحـران‌هـای متعـددی مـی‌توانـد گریبان‌گیر نظام سیاسی شود. این در حالی است کـه جانمـایی مراکـز مهـم و حساس امنیتی، نظامی و مدیریتی در شهر تهران مطلـوب نبـوده و در نـواحی در معرض خطر قرار دارند.
آزادبخت و رضایی (۱۳۹۱)	نقش مخاطرات محیطـی در امنیـت مرزی (مطالعهٔ موردی: زاهدان)	وقوع نابهنگام بلایای طبیعی تا مدتی تعادل شـرایط عـادی را بـرهم زده و در نقاط مرزی، می‌تواند زمینـه‌سـاز وقـوع مسـائلی ازجملـه عـدم امنیـت بـرای ساکنان، ورود و خروج به داخل و یا خارج از مرز بدون هماهنگی و... شود کـه ممکن است میزان وقوع جرم و جنایت نسبت‌به قبل افزون شود.
رهنمایی و پورموسوی (۱۳۸۵)	ناپایـداری‌هـای امنیـت کـلان‌شـهر تهران براساس شاخص‌هـای توسـعهٔ پایدار شهری	تهران در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی با ناپایـداری‌هـای امنیتی فراوانی روبه‌رو است.
برواچ (۲۰۱۵)	ریسک، آسیب‌پـذیری، چـالش‌هـا و تهدیدهای امنیتی	با توجه به تغییر مفهوم امنیت از ۱۹۹۰ به بعد، تهدیدهای امنیتـی، متنـوع و نوین شده‌اند؛ بنابراین بایستی با ارزیابی ریسک و کـاهش آسـیب‌پـذیری ایـن تهدیدها، چالش‌های ناشی از آن‌ها را به حداقل رساند. تأکید اصلی بر ارزیـابی ریسک، کاهش آسیب‌پـذیری ناشـی از افـزایش تهدیـدهای محیطـی هماننـد مخاطرات محیطی ناشی از تغییرات آب‌وهوایی در چند سال اخیـر بـه‌منظـور حرکت در مسیر امنیت پایدار است.
بیسواس (۲۰۱۱)	محیط‌زیست و تهدیدهای امنیتی	از یک سو تخریب محیط‌زیست توسط انسان‌ها و از سویی دیگر تبعـات و آثـار این تخریب‌ها، موجب افـزایش فشـارهای محیطـی بـر معیشـت و زنـدگی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی و شروع درگیری در مناطقی که آسیب‌پذیری شدیدی از آن دارند، شده‌است. درنتیجه توجـه بـه حرکـت در مسـیر توسـعهٔ پایدار و حفاظت از محیط‌زیست، اهمیت فزاینده‌ای در تحقق ثبات و پایـداری امنیتی در گفتمان جدید امنیت یافته‌است.
خاگرام و همکاران[1] (۲۰۰۳)	از امنیت محیطی و امنیـت انسـانی به امنیت پایدار و توسعه	ارتباط متقابلی میان توسعهٔ پایدار و امنیت پایـدار وجـود داشـته و درصـورت تحقق وضعیت مطلوب توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و انسـانی است که امنیت پایدار حاصل می‌آید. حرکت به سـمت ایـن وضـعیت نیازمنـد تغییر سُنتی دیدگاه‌های امنیتی و تجدید ساختارهای مدیریت و برنامـه‌ریـزی است. درنهایت نیز ابعاد و چارچوب‌ها، ارتبـاط و پیوسـتگی‌هـا و شـاخص‌هـا و متغیرهای موردِنیاز درراستای تحقـق امنیـت پایـدار از مسـیر توسـعهٔ پایـدار، مشخص می‌شوند که تأکید اصلی بـر تـأمین معیشـت پایـدار بـرای سـاکنان است.

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸)

1. Khagram et all

مبانی نظری

مخاطرات[1] و بحران[2] محیطی

هر رویداد طبیعی که به تضعیف و تخریب بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی منجر شود، به‌عنوان یک مخاطرهٔ بحران‌آفرین طبیعی تلقی می‌شود (Rezaeia et all, 2016: 6)؛ بنابراین مخاطرات محیطی براثر فرایند رابطهٔ انسان با محیط تعریف می‌شود. درغیراین‌صورت، پدیده‌هایی که خطر می‌نامیم، جزو رفتار معمولی و رایج طبیعت است (فنی و علیجانی، ۱۳۹۳: ۲). هیئت بین‌المللی تغییرات اقلیمی (IPCC)[3] مهم‌ترین عامل افزایش مخاطرات محیطی همچون: طوفان‌های شدید، خشکسالی، سیلاب‌ها، فرایندهای دامنه‌ای و... را در سال‌های اخیر، تغییرات آب‌وهوایی زمین، ناشی از فعالیت‌های غیرمسئولانهٔ انسانی می‌داند (Newman et all, 2017: 381).

در این میان، ناپایداری، تغییری ناگهانی است که در جریان یک بحران به‌وجود می‌آید و وخامت اوضاع را به‌دنبال دارد. در معنای مجازی شرایط، اوضاع یا دورانی خطرناک و فاقد اطمینان، ناشی از وقوع بحران‌ها را شرایطی ناپایدار می‌دانند (باقری، ۱۳۸۹: ۲۱)؛ بنابراین بحران‌های طبیعی به‌عنوان عوامل اصلی ایجاد ناپایداری، نوعی پاسخ به خطرزایی یک حادثهٔ طبیعی هستند که به‌صورت شرایطی دردناک تجربه می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۳: ۴۵). دیویس و همکاران[4] (۲۰۱۸) وضعیت بحرانی را وضعیتی تلقی می‌کنند که با بروز اختلال جدی در نظام اجتماعی و آسیب‌های جانی و مالی و زیرساختی، برطرف‌کردن آن بر خلاف وضعیت اضطراری، نیازمند بسیج منابع، به‌کارگیری ظرفیت‌ها و امکاناتی بسیار بیشتر از حد معمول است (Davies, 2018: 743). از دیدگاه طبرسا (۱۳۸۳)، بحران‌های محیطی (حادثه، سانحه، بلا) رخدادهایی هستند غیرمترقبه که ترتیبات عادی زندگی روزمرهٔ جمع قابلِ‌توجهی از مردم را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، دچار تحول جدی می‌کند؛ به‌گونه‌ای‌که جریان زندگی عادی مردم مختل و خسارات مادی و معنوی را به‌همراه داشته و اتخاذ تصمیمات فوری و فوتی را برای کنترل و بازگرداندن شرایط زندگی مردم به قبل از بحران، اجتناب‌ناپذیر می‌کند (طبرسا، ۱۳۸۳: ۵۸). در مجموع زمانی که رخدادها و مخاطرات محیطی به‌دلیل آسیب‌پذیربودن سکونتگاه‌های انسانی، موجب خسارات جانی و مالی شوند و وضعیت عادی زندگی مردم دچار اختلال و شرایط دردناک شود، بحران‌های محیطی حاصل می‌شوند.

سِیر تحول مفهوم امنیت (امنیت پایدار)

معنای لغوی امنیت، رهایی از تشویش، اضطراب و ترس یا احساس آرامش و اطمینانِ‌خاطر نسبت‌به تهدیدها است (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۶؛ Mesjasz, 2004: 4).

در ابتدا در دیدگاه واقع‌گرایان سُنتی[5]، تأمین امنیت معطوف به امنیت ملی بود که براین‌اساس، واحد استاندارد مطالعهٔ امنیت، دولت دارای حاکمیت و قلمرو است. در این دیدگاه صرفاً تهدیدهایی که متوجه ایدهٔ دولت‌اند، متوجه موجودیت فیزیکی و مادی دولت‌اند و درنهایت تهدیداتی که سازمان دولت را هدف قرار می‌دهند، تهدیدی امنیتی محسوب می‌شوند؛ بنابراین در مکتب واقع‌گرایی، تأمین امنیت به معنی توان نظامی یک کشور بوده و منافع فردی و جمعی وابسته به منفعت دولت هستند (Biswas, 2011: 2؛ آشنا و اسمعیلی، ۱۳۸۸: ۸۴). مشکل عمدهٔ این پارادایم در این واقعیت نهفته است که لزوماً کشور امن (فارغ از

1. Hazards
2. Crisis
3. Intergovernmental Panel on Climate Change
4. Davies et all
5. Traditional realists

حملهٔ نظامی و دارابودن قدرت نظامی) به معنی امنیت ساکنان و مردم آن نیست. به عبارت دیگر، مهم است که مردم از تهدید و حملهٔ نظامی به‌دور باشند، اما این اقدام تضمین‌کنندهٔ امنیت مردم و احساس امنیت آن‌ها نخواهد بود (Pranevičienė and Vasiliauskienė, 2018: 442). در این میان، مکتب تأثیرگذار «کپنهاگ[1]»، به رهبری «باری بوزان»[2] و «آل ویور»[3] به نقد برداشت ساده‌انگارانه از مفهوم سُنتی امنیت پرداخته و روش و مفهومی جدید و ترکیبی از امنیت را مطرح ساختند (Biswas, 2011: 4-5). از نظر بوزان، امنیت از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود که یکی از بخش‌های آن امنیت اجتماعی است. دیگر بخش‌ها عبارت‌اند از: بخش نظامی، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی (آقایی و تاش، ۱۳۸۹: ۱۲؛ Richard and Basu ray, 2007: 457). تا درنهایت مفهوم امنیت به‌تدریج از تأکید بر امنیت ملی وابسته به دولت، به امنیت انسانی گسترش یافت و شامل طیف وسیعی از تهدیدهای نظامی و غیرنظامی شد (Chandler, 2007: 368). در گزارش توسعهٔ انسانی سازمان ملل متحد[4] در سال ۱۹۹۴، ایمنی در برابر تهدیدهای مزمن و کشندهٔ بهداشتی و سلامتی (گرسنگی و بیماری)، سرکوب، حفاظت در برابر اختلالات ناگهانی (بحران‌های طبیعی و انسانی) که الگوی روزمرهٔ زندگی را مختل می کند، به‌عنوان شاخص‌های امنیت انسانی، آورده شده‌اند (Pranevičienė and Vasiliauskienė,2018:442). در ادامه به‌دنبال گسترش پارادایم پایداری و ارتباط متقابل توسعه و امنیت، امروزه از مفهوم امنیت پایدار، سخن به میان می‌آید. امنیت پایدار، مفهوم جدیدی است که به‌تازگی وارد مباحث مطالعات امنیت شده و به معنای تلقی سیستماتیک از امنیت است که با نگرش سیستمی و کل‌نگر به مقولهٔ امنیت حاصل می‌شود (بذرافشان و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۶۰). پایداری به معنی تداوم همیشگی، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن (کیفیت) و امکانات موجود (کمیت) در طول زمان کاهش نمی‌یابد و برگرفته از واژهٔ sustener (sus یعنی از پایین و tenere به معنی نگهداشتن) که بر حمایت و دوام بلندمدت تأکید دارد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴: ۴۷). در ذات مفهوم امنیت، عنصر پایداری وجود دارد، زیرا تأمین امنیت در شکل صحیح و واقعی خود در گرو جامع‌بودن و تداوم و مانایی آن در طول زمان است (باقری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳). امنیت پایدار، امنیتی است دیرپا و خلل‌ناپذیر: دیرپاست بدین معنا که کشورها در درازمدت از مواهب امنیت، بهره‌مند شوند و خلل ناپذیر است، بدین معنا که جوامع، در مقابل مخاطراتی که ثبات‌شان را تهدید می‌کند، مقاوم‌سازی شده‌باشند(رحیمی زنوز،۱۳۹۷:۵). در واقع، به جای درک سنتی از مقوله امنیت، کلیدواژه «امنیت پایدار» مفهوم سازی شد. برخلاف رویکرد سنتی مبتنی بر پارادایم کنترل[5] که تأمین امنیت از طریق قدرت نظامی و تأکید بر مبارزه با تهدیدهای صرفا نظامی(جنگ، شورش، تروریسم و...) بود، پارادایم جدید امنیت پایدار[6] به روش‌های ممانعت از بروز این ناامنی‌ها می‌اندیشد. به عبارت دیگر، به جای درمان ناامنی، پیشگیری از بروز ناامنی، هدف سیاستگذاران خواهد بوده و برخلاف امنیت کنترل که حفظ وضع موجود –هر آنچه هست- را در دستور کار خود دارد، امنیت پایدار با دیدی بلندمدت و آینده‌نگرانه معطوف به بررسی شرایط و تهدیدهایی است که زندگی بهتر ساکنان را چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی در بلندمدت تأمین می‌کند (Zala,2010:23). مفهوم

1. Copenhagen
2. Barry Buzan
3. Ole Wæver
4.United Nations Human Development Report
5.Control paradigm
6.Sustainable security

امنیت پایدار، متضمن وجود شرایطی است که در چهارچوب آن دولت‌ها به حقوق افراد احترام بگذارند. از این رو، پایداری امنیت به کاهش فقر، بیکاری، برابری و عدالت و بهره‌مندی از فرصت‌ها برای افراد جامعه بستگی دارد(سرور و همکاران،۱۳۹۳: ۳۰). استراتژی‌های امنیت پایدار به دو دسته تقسیم می‌شوند. نخست، استراتژی‌های حمایتی و حفاظتی[1] که در آن تصوّر بر این مطلب است که افراد جامعه در برابر تهدیدها و مخاطرات وارده بر آن‌ها که خارج از کنترل‌شان بوده، بایستی حراست شوند و دوم، استراتژی‌های توانمندسازی[2] که متکی بر توانایی‌های افراد درراستای مقابله با مخاطراتی باشد که امنیت آن‌ها را در ابعاد مختلف تهدید می‌کند. درواقع ظرفیت‌سازی[3] و توانمندسازی افراد جامعه به‌منظور حل و برخورد با تهدیدها و معضلات خود بدون کمک دولت یا با همکاری دولت (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۲۷). امنیت پایدار، تلفیقی از سه مفهوم امنیت ملی[4]، امنیت انسانی[5] و امنیت جهانی[6] است و بر آن است تا امنیت دولت‌ها را حفظ کند بدون آنکه امنیت مردم را به خطر اندازد و بدون آنکه تهدیداتی که متوجه امنیت جهانی است؛ همچون: ایدز، تهدیدات زیست‌محیطی، تروریسم و جنایات سازمان‌یافته را تشدید کند (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۴۰). در گفتمان امنیت ملی پایدار با پذیرش متکثر و گسترده‌بودن گزاره‌های چالش‌ساز، بر نقش محوریت اجتماع برای نیل به مراتب بالاتری از ثبات تأکید می‌شود و امنیت در چارچوب رضایتمندی مردم، دسترس‌پذیر است. شاخص‌های اصلی امنیت پایدار، ثبات درازمدت، توسعه، رفاه، حکومت قانون، برابری و عدالت و تلقی مردمی از مشروعیت حاکمیت است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۴؛ فتحی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷-۳۶). در امنیت پایدار، به‌جای مقابله با تهدیدها، شناسایی و چاره‌اندیشی روندهای منتهی به ناامنی اهمیت پیدا می‌کند و با کنترل و مهندسی این روندها از پدیدآمدن ناامنی پیشگیری می‌شود (قیصری و حسینی، ۱۳۹۲: ۷۵).

محیط طبیعی (مخاطرات محیطی) و امنیت پایدار

یکی از زمینه‌ها و ابعاد مهم در تأمین امنیت پایدار، اثرگذاری محیطِ‌زیست بر فعالیت‌های انسانی یا امنیت زیست‌محیطی است. روابط بین محیط طبیعی و امنیت پایدار انسانی، بسیار متأثر از یکدیگر است، چراکه محیط طبیعی، هم تأمین‌کنندهٔ نیازهای انسانی درراستای حرکت در مسیر توسعه و سپس امنیت پایدار بوده و از سویی دیگر، آسیب‌پذیری جوامع نسبت‌به بلایای طبیعی یا تخریب‌های محیطی، به‌واسطهٔ ناپایدارشدن امنیت و کاهش سطح رفاه، موجب ایجاد ناامنی‌های گسترده در سراسر جهان شده‌است. محیط طبیعی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی است که توسعه و امنیت پایدار را به همدیگر مرتبط کرده و زمینه‌ساز طرح پارادایم‌های توسعه و امنیت پایدار، شد (Janoušková et all, 2014: 21؛ Khagram et all, 2003: 289-291).

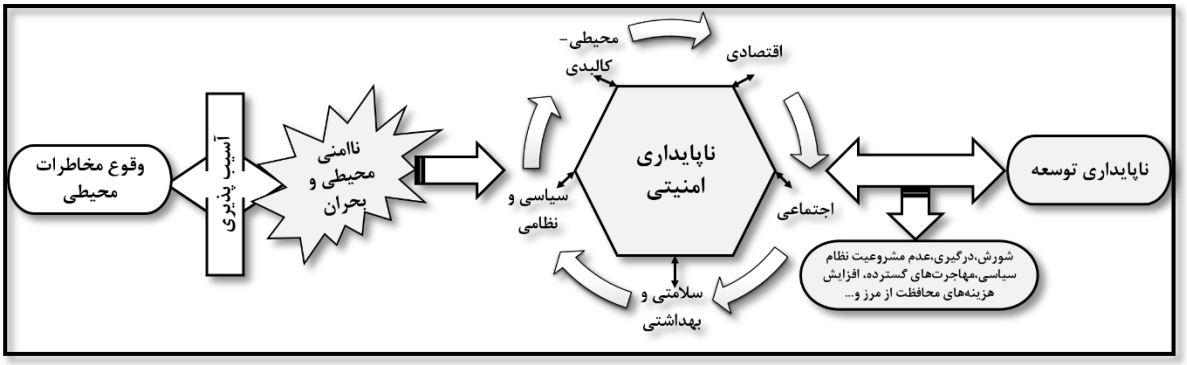
امروزه تخریب محیطِ‌زیست، گرمایش جهانی و تغییرات آب‌وهوایی که مهم‌ترین اثر آن‌ها، افزایش مخاطرات محیطی بحران‌زا هستند، از مهم‌ترین عوامل تهدیدکنندهٔ امنیت از سطح بین‌المللی تا سطح محلی هستند؛ به همین دلیل است که دستیابی به توسعهٔ پایدار که تأکید اصلی آن بر پایداری زیست‌محیطی است، لازمه و زمینه‌ساز تأمین امنیت پایدار، شده‌است. مخاطرات محیطی با تبدیل به فجایع و بحران‌های گسترده، موجب ایجاد نگرانی‌های امنیتی برای کشورهای در معرض آن‌ها شده‌اند (Biswas,2011:1). این تهدیدها هرچند ظاهری غیرامنیتی داشته و صرفاً

1. Protection
2. Empowerment
3. Capacity Building
4. National security
5. human security
6. Global security

تهدیدهای طبیعی جلوه می‌کنند، اما در عمل امنیت جامعه و امنیت ملی کشورها را تحت‌تأثیر قرار داده و دارای تبعات و آثار منفی بسیار بیشتر و چشمگیرتری از جنگ‌های نظامی دارند. مهم‌تر و مسئله‌سازتر اینکه ابعاد مختلف امنیت پایدار، جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند، بلکه هریک از آن‌ها دارای کانون مهمی در مسئلهٔ تأمین امنیت پایدار بوده و از طریق ارتباطات قوی همگی به هم متصل هستند (متقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰). براین‌اساس ناامنی در عرصهٔ محیط‌زیست (تخریب و افزایش مخاطرات محیطی)، سبب می‌شود که امنیت سیاسی، غذایی، بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی مکان‌های آسیب‌پذیر، مورد تهدید واقع شود (Biswas, 2011: 6). دراین‌راستا یکی از نخستین مکتب‌ها و گروهایی که موجب طرح مفهوم امنیت زیست‌محیطی شد و درواقع عملکرد محیط طبیعی را با تأمین امینت مرتبط ساخت، در ابتدا مکتب «تورنتو[1]» بود که توسط «توماس هومر-دیکسون»[2] دانشگاه تورنتو هدایت می‌شد. این مکتب که متکی بر گروه‌های تحقیقاتی بود، این استدلال را ارائه داد که ادامهٔ تخریب محیط‌زیست و واکنش‌های محیط طبیعی به این تخریب‌ها که همراه با کمبود منابع و تخریب محیط انسانی (وقوع مخاطرات محیطی) است، موجب می‌شود که جوامع و مناطق فقیرتر، دسترسی کمتری به منابع داشته باشند و توسط گروه‌های قدرتمند و ثروتمندتر به حاشیه رانده شوند که مهم‌ترین پیامد این امر نیز به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه که بی‌عدالتی مهم‌ترین عامل شورش‌ها و ناامنی‌های است، تداوم و افزایش فقر و محرومیت، درگیری، شورش، جنگ و جابه‌جایی گستردهٔ جمعیت و پیامدهای مرتبط با آن است. همچنین در پروژهٔ تحقیقاتی محیط‌زیست و درگیری در سوئیس (ENCOP)[3] که به رهبری «گونتر باخلر»[4] انجام گرفته‌است، این نتیجه حاصل آمد که در مناطقی از این کشور که تنش‌ها و فشارهای زیست‌محیطی با عدم دسترسی عادلانه به منابع همراه شده‌اند که عموماً مناطق کوهستانی و دورافتاده هستند، نارضایتی‌ها، خشونت‌ها و مقاومت‌ها در برابر اجرای پروژه‌ها بیشتر است (Brown, 2005: 3). همچنین همان‌طورکه در قبل نیز گفته شد، مکتب کپنهاگ سعی کرد که با ارائهٔ یک چارچوب جدید تحلیلی و مفهومی از امنیت، مسئلهٔ امنیت محیطی را به‌عنوان بخشی از امنیت ملی مشخص سازد. این مکتب از دیدگاه امنیت اجتماعی به مسئلهٔ تخریب و فشارهای‌های محیط‌زیست و اثرات آن به‌عنوان عامل ناامنی می‌پرداخت (Janoušková et all, 2014: 21).

در یک جمع‌بندی از مطالب آورده‌شده می‌توان بیان داشت که وقوع مخاطرات محیطی به‌دلیل آسیب‌پذیری زیاد جوامع انسانی به‌ویژه نواحی روستایی به‌دلیل قرارگرفتن در انزوای اقتصادی و اجتماعی با کاهش سطح کیفیت زندگی، زمینه‌ساز بحران‌ها و ناامنی در محیط طبیعی منطقه می‌شود که با توجه به ارتباط غیرقابل‌انکار روستاییان با محیط طبیعی و ارتباط و همبستگی ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار، سایر ابعاد امنیتی نیز با اختلال مواجه‌شده که برآیند این امر با توجه به ارتباط متقابل توسعه و امنیت، ناپایداری توسعه بوده که در یک دور باطل، ناپایداری توسعه به ناپایداری امنیتی خواهد افزود که مهم‌ترین پیامدهای آن شورش، افزایش درگیری‌ها و نزاع‌ها، انسدادی‌شدن مرز، مهاجرت‌های گسترده و تخلیهٔ خط مرزی و... خواهد بود. این فرایند در شکل ۱ که مدل مفهومی پژوهش است، نشان داده‌شده‌است.

1. Toronto school
2. Thomas Homer-Dixon
3. Swiss Environment and Conflicts Project (ENCOP)
4. Günther Baechler



شکل۱. مدل مفهومی پژوهش

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸)

روش تحقیق

با توجه به رویکرد همه‌جانبه‌نگر و جامع پایداری، ارزیابی اثرگذاری تداوم مخاطرات و بحران‌های محیطی در مناطق موردِمطالعه، به‌صورت جامع و با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته‌است. در پژوهش کمّی-کیفی حاضر، نوع تحقیق کاربردی و به‌منظور گردآوری اطلاعات آن از دو روش اسنادی و میدانی مبتنی‌بر مصاحبه و توزیع پرسشنامه بهره گرفته شده‌است.

در ابتدا در بخش کِیفی تحقیق، به‌منظور شناسایی مهم‌ترین تأثیرات تداوم مخاطرات و بحران‌های محیطی بر عرصه‌های پایداری امنیت، به مصاحبه با مدیران، متخصصان دانشگاهی و آگاهان محلی (دهیاران نمونهٔ شهرستان‌ها با معرفی فرمانداری‌ها) عرصهٔ توسعه و امنیت پرداخته‌شد. لازم‌به‌ذکر است که متخصصان و مدیران، افرادی در عرصه‌های امنیتی و انتظامی، دانشگاهی و مدیریت توسعهٔ شهرستان‌های موردِمطالعه بودند که به‌صورت هدفمند (دارابودن سابقهٔ مدیریتی در عرصه‌های انتظامی و امنیتی یا توسعه‌ای بیش از ۲ سال در فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، مرزبانی‌ها، اعضای مدیریت بحران شهرستان‌ها، فرماندهی سپاه پاسدارن شهرستان‌ها، ادارات جهادکشاورزی و محیط‌زیست) تحصیلات دانشگاهی مرتبط با عرصهٔ امنیت و توسعه و سوابق مطالعاتی مشابه در منطقه (استادیارهایی از رشته‌های جغرافیا، اقتصاد، کشاورزی، مدیریت، محیط‌زیست، مرزبانی در دانشگاه‌های پیام نور، آزاد و سراسری) با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی این افراد برای بخش اول پژوهش (کیفی) مشخص شدند و تعداد آن‌ها پس از شنیدن جواب‌های تکراری در مصاحبه‌ها که این حالت (اشباع نظری[1]) به معنی پایان نمونه‌گیری در پژوهش کِیفی است به ۳۳ نفر رسید. تجزیه‌وتحلیل مصاحبه‌ها با تکنیک «تئوری بنیادی»[2] انجام گرفت که به‌دلیل محدودیت حجم و ذکر در منابع متعدد به‌طور خلاصه لازم‌به‌ذکر است که مهم‌ترین اصل در تکنیک تئوری بنیادی، عمل کدگذاری مصاحبه‌ها است که این مرحله از پژوهش در سه مرحلهٔ «کدگذاری باز»[3]، «کدگذاری محوری»[4] و «کدگذاری انتخابی»[5] انجام گرفت. در

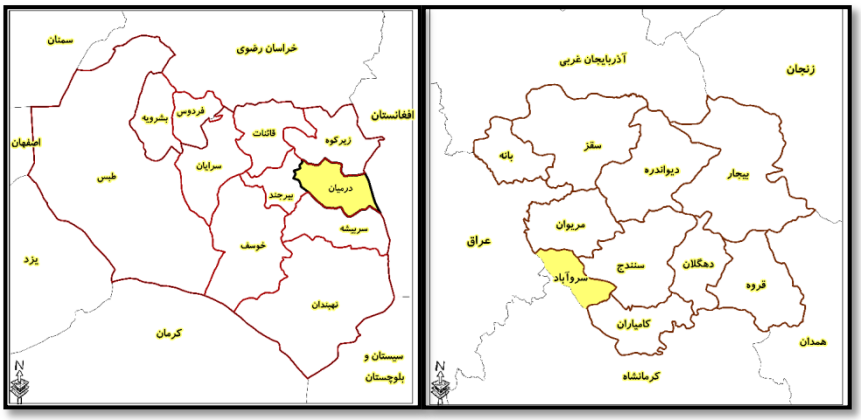
1. Theoretical saturation
2. Grounded Theory
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding

مرحلهٔ کدگذاری باز و در ابتدا جملات به‌عنوان واحد مطالعه انتخاب شدند. بعد از آن کلمات و عبارات کلیدی که پیام اصلی جملات بودند، استخراج شدند. در ادامه نیز برچسب‌های مفهومی مناسبی به عبارت و نکات کلیدی استخراج‌شده با توجه به اشتراک و شباهت آن‌ها اختصاص داده شد. در کدگذاری محوری، مفاهیم گسترده‌تر و به‌هم‌مرتبط شدند و در دسته‌های مشترک یا مقوله‌ها جای گرفتند. به عبارتی دیگر در این مرحله طبقاتی گسترده (مقوله‌ها) شکل گرفت که هریک، دارای خُرده‌طبقاتی (مفاهیمی مشترک) هستند. آخرین مرحلهٔ کدگذاری همان تشکیل گسترده‌ترین طبقات است؛ یعنی ایجاد مقوله‌های مرکزی که جامع بوده و دربرگیرندهٔ تمامی مقوله‌ها و مفاهیم هستند (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۸۸: ۸۲؛ دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۶۰). در ادامه و در مرحلهٔ بعد و در بخش کمّی، به‌منظور تعمیمِ یافته‌های حاصل از بخش کیفی و اطمینان از صحت عوامل ناپایدارکنندهٔ استخراج‌شده، شاخص‌ها و متغیرهای استخراج‌شده (عوامل ناپایداری امنیتی به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی) در قالب پرسشنامه‌ای در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (۱- کاملاً مخالفم ... ۵- کاملاً موافقم) تدوین و با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی در اختیار ۱۰۰ نفر از متخصصان دانشگاهی، آگاهان محلی و مدیران عرصهٔ توسعه و امنیت شهرستان که ویژگی‌های انتخاب آن‌ها در مطالب قبلی (انتخاب جهت مصاحبه‌ها) آورده شده‌است، قرار گرفت.

روایی صوری و محتوایی ابزار اندازه‌گیری از طریق توزیع ۱۵ پرسشنامه به‌عنوان پیش‌آزمون و تأیید متخصصانی که دارای سابقهٔ مطالعات مشابه بودند، مورد تأیید قرارگرفت. همچنین پایایی مجموع پاسخ‌ها با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ با محاسبهٔ مقدار مجموع برابر ۰٫۷۵ در بستهٔ نرم افزاری spss موردِتأیید قرارگرفت. همچنین به‌منظور تعیین روایی سازه از آزمون تحلیل عاملی و تحلیل مسیر، بهره گرفته شد.

معرفی مناطق موردِمطالعه

شهرستان سروآباد با مساحت ۱۱۶۸ کیلومترمربع در جنوب غربی استان کردستان قرارگرفته و از شمالِ‌غربی به کشور عراق محدود می‌شود. در سال ۱۳۹۵ نیز جمعیت شهرستان ۴۴۹۴۰ نفر بوده‌است که از این تعداد ۳۶۶۴۳ نفر ساکن در ۷۴ نقطهٔ روستایی بوده‌اند. براین‌اساس درصد روستانشینی در این شهرستان ۸۱٫۵۴ درصد است. قرارگرفتن در منطقهٔ زاگرس مرتفع، توپوگرافی و اقلیم سخت و خشنی را برای این منطقه که اقتصاد آن‌ها وابسته به فعالیت‌های کشاورزی و تجارت مرزی است، ایجاد کرده‌است (فرهنگ آبادی‌های ۱۳۹۵ شهرستان سروآباد). شهرستان درمیان با وسعت معادل ۵۷۹۷ کیلومترِمربع در استان خراسان جنوبی واقع شده که شرق آن با مرزی به طول ۷۰ کیلومتر به استان شیندند افغانستان متصل است. براساس آخرین سرشماری انجام‌شده، تعداد جمعیت شهرستان ۵۴۲۲۶ نفر، اعلام شده که از این تعداد ۳۸۴۹۰ نفر، معادل ۷۱ درصد، در ۱۴۷ روستا سکونت دارند. عمدهٔ زمینه‌های فعالیت مردم محلی در بخش‌های مختلف وابسته‌به فعالیت‌های کشاورزی است (فرمانداری شهرستان درمیان، ۱۳۹۷).



شکل۲. نمایش موقعیت مناطق موردِمطالعه

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸)

یافته‌های پژوهش

پس از طی سه مرحله کدگذاری مصاحبه‌های انجام گرفته همان‌طورکه در جدول ۲ نشان داده‌شده‌است، مهم‌ترین تأثیرات بروز و تداوم مخاطرات و بحران‌های محیطی پس از آن در روستاهای مرزی مناطق موردِمطالعه که موجب ناپایداری امنیتی آن‌ها شده‌اند در قالب ۵۳ مفهوم، ۶ مقولهٔ ناپایداری امنیت سیاسی-نظامی، ناپایداری امنیت محیطی-کالبدی، ناپایداری امنیت اجتماعی، ناپایداری امنیت اقتصادی، ناپایداری امنیت غذایی و آسیب‌های بلندمدت امنیتی و ۳ مقولهٔ مرکزی ناپایداری امنیت ملی، ناپایداری امنیت انسانی و ناپایداری بلندمدت امنیتی، جای گرفته‌اند. همان‌طورکه در ابتدا ترکیب مؤلفه‌ها و مفاهیم، نشان می‌دهد، می‌توان پی‌برد که امنیت پایدار، سازه‌ای است متشکل از ابعاد و شاخص‌های مختلف و متفاوت که در یک صحنه و مجموعه قرار دارند و مطابق با دید سیستمی که هستهٔ اصلی امنیت پایدار است، تضعیف و ناپایداری امنیتی در هریک از ابعاد و شاخص‌ها، ناپایداری و بروز معضل در سایر ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار را سبب می‌شود. دراین‌راستا همچنانکه مشاهده می‌شود، بسیاری از مفاهیم شناسایی‌شده یا به عبارتی، تأثیرات منفی حاصل از بروز و تداوم بحران‌های محیطی در منطقه، نتیجه و آثار تضعیف و بروز نارسایی در سایر ابعاد و شاخص‌های امنیتی هستند (در این ارتباط در بخش تحلیل عاملی یافته‌ها، بیشتر توضیح داده خواهد شد). درواقع تداوم بحران‌های محیطی در مناطق موردِمطالعه، علاوه‌بر تأثیرات مستقیم (تخریب محیط طبیعی، فقر، خسارات جانی و مالی)، دارای تأثیرات غیرمستقیم و وابستهٔ بسیاری بوده‌است (ایجاد حفره‌های امنیتی با فاصله‌گیری مردم و نظام به‌واسطهٔ بروز احساس بی‌عدالتی ناشی از عدم توجه دولت به این مناطق با تداوم خسارات جانی و مالی بحران‌های محیطی، تداوم قاچاق، افزایش مهاجرت و...). از سویی دیگر، ناپایداری و مضعلات امنیتی ایجادشده تنها محدود به این مناطق نمانده و امنیت ملی و عمومی کشور را نیز مورد تهدید قرار داده‌است تا بتوان به اهمیت پایداری امنیت در مناطق مرزی به‌عنوان دروازه‌های امنیتی پایداری امنیت ملی کشور، پی برد. از سویی دیگر، آنچه که پایداری را به‌عنوان وجه وصفی امنیت مطرح می‌سازد، تداوم وضعیت مطلوب آن در بلندمدت است. در این ارتباط تأثیرات و ناپایداری‌های شکل‌گرفته منجر شده‌اند تا آیندهٔ امنیتی در منطقه به سمت ناپایداری و چالش‌های بیشتری در حرکت باشد. درواقع

آسیب‌پذیربودن و عدم تاب‌آوربودن شرایط امنیت منطقه به‌واسطهٔ اثرپذیری از بحران‌های محیطی، موجب می‌شود که نتایج به‌دست‌آمده از این شرایط آسیب‌پذیر، آیندهٔ ناپایدار امنیتی را برای مناطق روستایی مرزی موردِمطالعه به همراه آورد.

جدول۲. شناسایی تأثیرات ناپایدارکنندهٔ امنیت روستاهای موردِمطالعه به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی با تکنیک تئوری بنیادی

مقوله‌های مرکزی		مقوله‌ها	مفاهیم
ناپایداری امنیت	ناپایداری امنیت ملی	امنیت سیاسی- نظامی	فاصله‌گرفتن مردم و نیروهای امنیتی و انتظامی- افزایش دید امنیتی و انسداد مرزهای منطقه- رواج فرهنگ قانون‌گریزی-کاهش حس تعلق و وفاداری مردم محلی به نظام- پیوستن جوانان به گروه‌های معاند نظام- افزایش تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای علیه نظام- افزایش تهدیدها برای مرزبانان و پاسگاه‌های مرزی- افزایش هزینه‌های حفاظت از مرز- تشکیل گروه‌های سازمان‌یافتهٔ اعمال مجرمانه (قاچاق کالا، فروش اسلحه و...)- افزایش تضادهای قومیتی در میان مردم محلی با دیگر نواحی کشور (احساس بی‌عدالتی)- آسیب‌دیدن سازه‌های امنیتی و انتظامی- افزایش رادیکالیسم اسلامی (تضادهای مذهبی).
	ناپایداری امنیت انسانی (محلی- منطقه‌ای)	امنیت محیطی- کالبدی	تخریب زمین‌های زراعی و باغی- تخریب زیرساخت‌های ارتباطی و مساکن- کاهش زیبایی و مطلوبیت چشم‌انداز روستایی- افزایش فضاهای ترسناک در روستاها (اراضی خالی و متروکه).
		امنیت اجتماعی	عدم دلبستگی مردم به محیط روستاها- احساس ترس و ناامنی خانوارها از نگه‌داشتن دارایی‌ها در منزل و امنیت سایر دارایی‌ها (تراکتور، موتور آب، کمباین، خودروی شخصی و...)- کاهش سطح تحصیلات- افزایش ناعدالتی و شکاف درآمدی با شهرها- مهاجرت- کاهش سرمایهٔ اجتماعی- افزایش نزاع و درگیری- افزایش حاشیه‌نشینی و تشکیل مناطق جرم‌خیز در شهرهای مجاور- بی‌اعتمادی مردم محلی به رسانه‌های محلی (عدم پوشش اخبار)- افزایش فقر و فرهنگ آن- عدم همکاری مردم محلی با مسئولان در اجرای طرح‌های امنیتی و توسعه‌ای.
		امنیت اقتصادی	گرایش به قاچاق کالا- عدم جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و دولتی به منطقه- تمایل مردم به سرمایه‌گذاری در مشاغل واسطه‌ای و کاذب در شهر- انتقال سرمایه‌های خُرد روستاییان به شهرهای مجاور- تعطیلی بازارچه‌های مرزی- افزایش بیکاری- عدم تنوع شغلی- افزایش هزینه‌های دولت (تأمین منابع آب، سدسازی و...)-کاهش پس‌انداز و درآمد- کاهش توان پرداخت و تأمین هزینه‌ها خانوار از سوی سرپرستان خانوار- انحلال تعاونی‌های تولیدی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در روستاها- ناتوانی مردم در دریافت وام‌های اشتغال‌زایی، ساخت‌وساز و تولیدی- کاهش تعداد و تنوع دام‌ها.
		امنیت غذایی	کاهش توان تأمین نیازهای غذایی (تهیه گوشت، لبنیات و...)، کاهش تولید محصولات مصرفی خانوار.
	ناپایداری بلندمدت	آسیب‌های بلندمدت امنیتی	تخلیهٔ روستاهای کم‌جمعیت و نزدیک به مرزها- اتلاف منابع آب و خاک و کاهش تولید ملی- تغییر در ساختار و ترکیب جمعیتی در شهرهای مجاور این مناطق مرزی- شورش و درگیری- قاچاق گسترده- افزایش قدرت و نفوذ گروه‌های معاند (پیوستن جوانان روستایی به آن‌ها)- فقر- عدم مشروعیت نظام در این مناطق- هدررفتن هزینه‌های انجام‌شده در زمینهٔ تأمین امنیت و توسعهٔ منطقه- انسداد شدید مرزها- خسارت‌های جانی و مالی به نیروها و سازه‌های امنیتی و مرزی منطقه.

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

در این بخش، به‌منظور تأیید و تعمیم یافته‌های حاصل از بخش کِیفی، یعنی تأثیرات وقوع مخاطرات محیطی و تداوم بحران‌های ناشی از آن‌ها بر امنیت پایدار مناطق مرزی موردِمطالعه، از آزمون تحلیل عاملی از نوع اکتشافی، بهره گرفته‌شد. به‌منظور خلاصه‌سازی داده‌ها و تعیین عوامل اصلی در آزمون تحلیل عاملی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی[1] و چرخش واریمکس[2]

1. Extraction method principal component analysis
2. Varimax rotation

استفاده شد. در ابتدا برای آزمون مناسب‌بودن داده‌های مربوط به مجموعهٔ متغیرهای موردِتحلیل درخصوص عوامل و برای شروع تحلیل عاملی، از آزمون Bartlett و KMO استفاده شد. معناداری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و مقدار مناسب KMO حاکی از همبستگی کِیفی و مطلوبیت کمّی متغیرهای موردِنظر برای انجام تحلیل عاملی است.

جدول ۳. نتایج آزمون kmo و بارتلت به‌منظور انجام تحلیل عاملی

مجموعهٔ متغیرهای موردِتحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معناداری
تأثیرات وقوع مخاطرات محیطی و تداوم بحران‌های ناشی از آن‌ها بر امنیت پایدار مناطق مرزی موردِمطالعه	۰,۷۰	۱,۰۲	.۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

شاخص‌های بارگذاری‌شده در هر عامل که بیشتر از ۱ هستند، یک عامل را شکل می‌دهند. نتیجه به‌دست‌آمده، تقلیل ۵۳ شاخص به ۳ عامل بود که در مجموع ۷۰,۶٪ از واریانس را تبیین می‌کند. این رقم نشانگر رضایت‌بخش‌بودن تحلیل عاملی و متغیرهای موردِبررسی به‌منظور تلفیق در عوامل است. مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول ۴ آورده شده‌است. همچنین، مبنای بار عاملی برای شاخص‌ها به‌منظور تجمع معنی‌دار در عامل‌ها، مقدار ۰,۵ قرار داده‌شد.

جدول ۴. عامل‌بندی متغیرهای موردِمطالعه

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۱۵,۸	۲۸,۸	۲۸,۸
۲	۱۴,۳	۲۶,۰	۵۴,۹
۳	۸,۶	۱۵,۶	۷۰,۶

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

عامل اول

این عامل با مقدار ویژه برابر ۱۵,۸ و تبیین ۲۸,۸ درصد واریانس‌ها ۲۱ شاخص را در خود جای داده‌است. با توجه به اینکه در میان شاخص‌های تجمع‌یافته، ۱۸ شاخص مرتبط با وضعیت امنیت در ابعاد اقتصادی و اجتماعی است، می‌توان این عامل را ناپایداری امنیت اقتصادی و اجتماعی نامید. در ابتدا تجمع شاخص‌های این دو بُعد امنیتی در کنار یکدیگر، نشان از ارتباط و اثرگذاری متقابل وضعیت شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر همدیگر در نواحی روستایی مرزی دارد؛ چراکه پایداری اجتماعی محیط روستایی به‌ویژه روستاهای درحاشیه و در انزوای مرزی به‌دلیل ضعف در برنامه‌ریزی و تخصیص عادلانهٔ منافع توسعه در کشور، تابع شرایط اقتصادی بوده و وضعیت نامطلوب شاخص‌های اقتصادی، می‌تواند به‌سرعت زمینه‌ساز شکل‌گیری معضلات و ناپایداری‌های امنیت اجتماعی روستاها، همانند وضعیت موجود مناطق موردِمطالعه شود.

در میان شاخص‌ها یا پیامدهای ناپایدارکنندهٔ امنیت اقتصادی و اجتماعی در منطقه، حاصل از تداوم بحران‌های محیطی، همان‌طورکه مشاهده می‌شود، شاخص افزایش فقر و فرهنگ آن با بار عاملی ۰,۹۴۴،

دارای بیشترین بار عاملی یا همبستگی با عامل تشکیل‌شده است. در این ارتباط، بایستی عنوان کرد که تداوم مخاطرات و بحران‌های حاصل از آن در ابتدا با تضعیف شرایط اقتصادی به‌واسطهٔ تخریب مزارع و باغ‌ها، تخریب زیرساخت‌ها، افزایش هزینه‌های نگهداری و تولید محصولات، کاهش منابع آب و درنتیجه کاهش تولید محصولات در اقتصاد تک‌محصولی روستاهای مناطق مرزی مناطق موردِمطالعه که وابسته به فعالیت‌های کشاورزی هستند، موجب افزایش فقر در میان روستاییان شده که نمودهای این امر را می‌توان با افزایش بیکاری با بار عاملی ۰,۸۵۰، کاهش پس‌انداز و درآمد با بار عاملی ۰,۸۷۹، ازبین‌بردن زمینه‌های تنوع شغلی ۰,۶۱۰ و تعطیلی بازارچه‌های مرزی یا بار عاملی ۰,۸۱۴ دید. در این ارتباط، بایستی عنوان کرد که فقر به‌عنوان عمده‌ترین مانع تحقق توسعهٔ پایدار روستایی در کشور به‌عنوان عمده‌ترین مانع تحقق و تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی نیز به‌شمار می‌آید، چراکه فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به بار می‌آورد که نمودهای این وضعیت را می‌توان در احساس ترس و ناامنی خانوارها از نگه‌داشتن دارایی‌ها در منزل و امنیت سایر دارایی‌ها (بار عاملی ۰,۷۵۹)، کاهش سرمایهٔ اجتماعی (بارعاملی ۰,۹۰۷)، افزایش نزاع و درگیری (کشمکش برای دسترسی مالکیت منابع آب، زمین، خانه و... و افزایش بیکاری که خود زمینه‌ساز افزایش جرم‌هایی مانند سرقت و... خواهد بود) (بارعاملی ۰,۶۱۷) دید. لازم‌به‌ذکر است که تعطیلی بازارچه‌های مرزی این دو منطقه را نمی‌توان تأثیر مستقیم تداوم بحران‌های محیطی دانست، اما کاهش جمعیت به‌واسطهٔ مهاجرت‌های گسترده از روستاها که در این عامل در شاخص عدم دلبستگی مردم به محیط روستاها (بارعاملی ۰,۸۴۷) نمود یافته‌است و عدم جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و دولتی (بار عاملی ۰,۷۵۳)، به‌واسطهٔ تبدیل محیط منطقه به محیطی فاقد توان اقتصادی، تسلط رکود و بحران اقتصادی و همچنین، ناامن‌بودن شرایط منطقه (وقوع مخاطرات متعدد و خسارات جانی و مالی حاصل از آن در کنار دید مرزی و امنیتی به مناطق مرزی) همراه با معضلات متعدد دیگر در ادارهٔ بازارچه‌ها موجب شده‌اند تا بازارچه‌های مرزی نیز که به‌صورت موقت تأسیس شده‌بودند، جاذبهٔ لازم را برای مدیران توسعه‌ای و فعالان اقتصادی منطقه به‌منظور حمایت و برنامه‌ریزی تداوم فعالیت نداشته باشند. در این ارتباط، شاخص دیگری که با بار عاملی بالا (۰,۹۰۰) در این عامل تجمع یافته‌است، گرایش به قاچاق کالا در میان روستاییان است که عمدهٔ دلیل این امر در کنار تعطیلی بازارچه‌های مرزی که زمینهٔ تجارت قانون‌مند را کاهش داد، افزایش فقر اقتصادی در میان روستاییان به‌واسطهٔ تخریب منابع تأمین درآمدهای‌شان با تداوم بحران‌های محیطی است که روستاییان را برای تأمین معاش به‌ویژه در منطقهٔ سروآباد کردستان با شرایط بسیار دشواری به کول‌بری سوق داده‌است. این امر زمانی از لحاظ امنیتی حساس‌تر می‌شود که هر ساله تعدادی از کول‌بران یا قاچاقچیان به‌دلیل توپوگرافی خشن منطقه یا درگیری با نیروهای امنیتی جان خود را از دست می‌دهند که این امر مسلّماً، تبعات بسیار نامطلوبی در عرصهٔ امنیت ملی و اعتبار بین‌المللی برای کشور در پی خواهد داشت.

مقدار بار عاملی بالا (۰,۸۸۰) در شاخص بی‌اعتمادی مردم محلی به رسانه‌های داخلی، به‌دلیل ایجاد این دید در مردم محلی است که رسانه‌های محلی، استانی و ملی به پوشش تأثیرات نامطلوب و خسارات جانی و مالی این بحران‌ها آن‌گونه که شایسته است، نمی‌پردازند و درواقع این مناطق دچار نوعی انزوا و بی‌اهمیتی در عرصهٔ خبررسانی قرار گرفته‌اند که این امر در عصر حاضر که رسانه‌های معاند با پشتوانه‌های

مالی و سخت‌افزاری زیادی به‌صورت مستمر به تخریب و سیاه‌نمایی می‌پردازند، می‌تواند احساس و ذهنیت مردم و در وهلهٔ بعد رفتار و عکس‌العمل‌های آنان را نسبت‌به نظام تغییر دهد که این شاخص یعنی کاهش حسِ‌تعلق و وفاداری مردم محلی به نظام با بار عاملی بالا (۰,۹۲۸) در این عامل تجمع یافته‌است. لازم‌به‌ذکر است که به‌دلیل اهل تسنن بودن روستاییان مناطق مرزی این شهرستان‌ها، ناپایداری امنیتی و معضلات موجود حاصل از بحران‌های محیطی با تداوم فعالیت رسانه‌های معاند و فقر فرهنگی ایجادشده در منطقه، به زمینه‌ای برای ایجاد تفرقه‌افکنی مذهبی و افزایش رادیکالیسم اسلامی (تضادهای مذهبی) در میان روستاییان انجامیده‌است (القای این حس که دولت به‌دلیل اهل تسنن بودن منطقه اهمیتی به مهار بحران‌های محیطی نمی‌دهد). همچنین وقوع مداوم مخاطرات محیطی، موجب آسیب‌دیدن سازه‌های امنیتی و انتظامی (بارعاملی ۰,۸۴۷) به‌واسطهٔ لغزش زمین، ریزش سنگ‌ها و تحت‌تأثیر قرارگرفتن بهمن‌های متعدد در شهرستان سروآباد و مدفون‌شدن زیر شن و ماسه‌های روان در شهرستان درمیان شده‌است که این امر هزینه‌ها تأمین امنیت را افزایش خواهد داد. همچنین، با افزایش مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای مجاور، امنیت این شهرها نیز به مخاطره افتاده‌است، چرا که افزایش حاشیه‌نشینی و تشکیل مناطق جرم‌خیز را در شهرهای مجاور (بار عاملی۰,۸۷۷) در پی داشته است.

جدول ۵. شاخص‌ها و بارهای عاملی تجمع‌یافته در عامل اول

ردیف	شاخص‌ها	بارعاملی
۱	بی‌اعتمادی مردم محلی به رسانه‌های داخلی (عدم پوشش اخبار خسارت جانی و مالی)	۰,۸۸۰
۲	عدم دلبستگی مردم به محیط روستاها	۰,۸۴۷
۳	افزایش ناعدالتی و شکاف درآمدی با شهرها	۰,۸۴۶
۴	احساس ترس و ناامنی خانوارها از نگه‌داشتن دارایی‌ها در منزل و امنیت سایر دارایی‌ها (تراکتور، موتور آب، کمباین، خودروی شخصی و...)	۰,۷۵۹
۵	کاهش حسِ‌تعلق و وفاداری مردم محلی به نظام	۰,۹۲۸
۶	کاهش سرمایهٔ اجتماعی	۰,۹۰۷
۷	افزایش نزاع و درگیری	۰,۶۱۷
۸	افزایش حاشیه‌نشینی و تشکیل مناطق جرم‌خیز در شهرهای مجاور	۰,۸۷۷
۹	عدم جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و دولتی به منطقه	۰,۷۵۳
۱۰	افزایش فقر و فرهنگ آن	۰,۹۴۴
۱۱	عدم همکاری مردم محلی با مسئولان در اجرای طرح‌های امنیتی و توسعه‌ای	۰,۹۱۶
۱۲	گرایش به قاچاق کالا	۰,۹۰۰
۱۳	تمایل مردم به سرمایه‌گذاری در مشاغل واسطه‌ای و کاذب در شهر	۰,۸۳۲
۱۴	افزایش رادیکالیسم اسلامی (تضادهای مذهبی)	۰,۷۵۹
۱۵	تعطیلی بازارچه‌های مرزی	۰,۸۱۴
۱۶	افزایش هزینه‌های دولت (تأمین منابع آب، سدسازی و...)	۰,۸۴۸
۱۷	ازبین‌بردن زمینه‌های عدم تنوع شغلی	۰,۶۱۰
۱۸	آسیب‌دیدن سازه‌های امنیتی و انتظامی	۰,۸۴۷
۱۹	افزایش بیکاری	۰,۸۵۰
۲۰	کاهش پس‌انداز و درآمد	۰,۸۷۹
۲۱	انسداد شدیدتر مرزها	۰,۵۹۸

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

عامل دوم

این عامل، با مقدار ویژه برابر ۱۴,۳ و تبیین ۲۶ درصد واریانس‌ها ۲۰ شاخص را در خود جای داده‌است. با توجه به اینکه ترکیب شاخص‌های تجمع‌یافته ناپایداری‌های سیاسی و نظامی هستند که در بلندمدت می‌توانند امنیت کشور را تهدید کنند؛ می‌توان این عامل را آیندهٔ ناپایدار امنیتی و معضلات سیاسی-نظامی در عرصهٔ امنیت ملی، نام نهاد. تجمع این دو مؤلفه نشان از اثرگذاری وضعیت امنیت مناطق مرزی به‌عنوان دروازه‌های امنیتی کشور در تأمین امنیت پایدار ملی کشور دارد. به عبارتی دیگر، نادیده‌گرفتن امنیت این مناطق به معنی کشاندن ناامنی به داخل کشور است.

در میان شاخص‌های تجمع‌یافته سه شاخص رواج فرهنگ قانون‌گریزی (بارعاملی ۰,۹۵۰)، افزایش هزینه‌های حفاظت از مرز (بارعاملی۰,۹۴۵) و افزایش تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای علیه نظام (بارعاملی ۰,۹۲۱)، دارای بیشترین بارعاملی یا به عبارتی همبستگی و تأثیر در عامل شکل گرفته هستند. در این ارتباط، بایستی عنوان کرد که با عادی‌شدن و تبدیل هنجارشکنی و قانون‌شکنی در منطقه که یکی از مهم‌ترین تبعات تسلط فرهنگ فقر در منطقه به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی است که در عامل اول به آن پرداخته شد، امنیت محیط‌های روستایی موردِمطالعه، بسیار شکننده شده و برای امنیت ملی، آسیب‌زا خواهد بود که از نمودهای مهم تجمع‌یافته می‌توان به تشکیل گروه‌های سازمان‌یافتهٔ اعمال مجرمانه (قاچاق کالا، فروش اسلحه و...) (بارعاملی ۰,۸۸۹)، فاصله‌گرفتن مردم و نیروهای امنیتی و انتظامی (بارعاملی ۰,۸۸۰)، شورش و درگیری (۰,۸۷۷) و پیوستن جوانان به گروه‌های معاند نظام (بارعاملی۰,۸۴۳)، اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تجمع‌یافته در این عامل، عدم مشروعیت نظام در این مناطق (بارعاملی ۰,۷۹۳) به‌واسطهٔ تداوم مخاطرات محیطی و بحران‌های ناشی از آن در آینده خواهد بود. درواقع کاهش کیفیت کنونی زندگی روستاییان به‌عنوان هستهٔ اصلی امنیت پایدار سبب می‌شود که در بلندمدت فاصلهٔ بین مردم و نظام افزایش یابد. در این میان مسلّماً افزایش تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای علیه نظام (بارعاملی ۰,۹۲۱) که آثار بحران‌های محیطی را دستمایهٔ تبلیغات و اهداف خود قرار می‌دهند، بر سرعت این امر خواهد افزود. یکی از مهم‌ترین پیامدهای عدم مشروعیت نظام، رواج قانون‌شکنی و آثار دیگر وابسته به این شاخص‌ها، افزایش هزینه‌های حفاظت از مرز (بارعاملی ۰,۹۴۵) و افزایش دید امنیتی و انسداد مرزهای منطقه (بارعاملی ۰,۹۰۸) خواهد بود که در آینده مدیریت مرزی منطقه به وقوع خواهند پیوست. درواقع تداوم آثار نامطلوب بحران‌های محیطی بر کیفیت زندگی روستاییان که به آن‌ها اشاره شد (تخریب سازه‌های امنیتی و ساخت سازه‌های جدید، رواج قانون‌شکنی، قاچاق، افزایش درگیری بین مردم و نیروی انتظامی و امنیتی و...) موجب می‌شوند که هزینه‌های مالی و جانی زیادی همچنان که در مناطق موردِمطالعه به‌ویژه در مرز سروآباد به‌دلیل گستردگی قاچاق، مشاهده می‌شود بر نیروهای امنیتی و انتظامی منطقه تحمیل شود که این امر نیز سبب می‌شود که دید مدیریتی این منطقه مرزی به دیدی تهدیدمحورانه و انسداد شدید مرز تغییر یابد که این شیوهٔ مدیریتی و امنیتی کردن سبب می‌شود که پتانسیل‌های توسعهٔ این مناطق نادیده گرفته شود و درواقع مسیر ناپایداری توسعه طی شود که با توجه به ارتباط متقابل توسعه و امنیت پایدار، این روند ناپایداری امنیتی در منطقه را بیشتر و شدیدتر خواهد کرد.

اتلاف منابع آب و خاک و کاهش تولید ملی (بار عاملی ۰,۸۵۳) یکی دیگر از شاخص‌هایی است که در بلندمدت به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی در منطقه

با ایجاد پیامدهایی چون فقر که ارتباط مستقیمی با افزایش تخریب محیطی خواهد داشت و تخلیهٔ روستاها، موجب می‌شود که در وضعیت کنونی که تأکید اصلی بر بهره‌گیری از توان داخلی و تأمین امنیت غذایی کشور است، سطح تولیدات کشاورزی در این دو منطقه مستعد فعالیت‌های کشاورزی با رکود و افول چشمگیری همراه شود.

جدول ۶. شاخص‌ها و بارهای عاملی تجمع‌یافته در عامل دوم

ردیف	شاخص‌ها	بار عاملی
۱	تشکیل گروه‌های سازمان‌یافتهٔ اعمال مجرمانه (قاچاق کالا، فروش اسلحه و...)	۰,۸۸۹
۲	افزایش دید امنیتی و انسداد مرزهای منطقه	۰,۹۰۸
۳	رواج فرهنگ قانون‌گریزی	۰,۹۵۰
۴	مهاجرت	۰,۹۰۹
۵	افزایش هزینه‌های حفاظت از مرز	۰,۹۴۵
۶	افزایش فقر	۰,۷۱۸
۷	افزایش تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای علیه نظام	۰,۹۲۱
۸	افزایش تضادهای قومیتی در میان مردم محلی با دیگر نواحی کشور (احساس بی‌عدالتی)	۰,۸۰۳
۹	انتقال سرمایه‌های خُرد روستاییان به شهرهای مجاور	۰,۷۵۳
۱۰	اتلاف منابع آب و خاک و کاهش تولید ملی	۰,۸۵۳
۱۱	کاهش سطح تحصیلات	۰,۷۴۶
۱۲	ناتوانی مردم در دریافت وام‌های اشتغالزایی، ساخت‌وساز و تولیدی	۰,۵۳۱
۱۳	پیوستن جوانان به گروه‌های معاند نظام (شرایط فعلی)	۰,۸۴۳
۱۴	فاصله‌گرفتن مردم و نیروهای امنیتی و انتظامی	۰,۸۸۰
۱۵	افزایش تهدیدها برای مرزبانان و پاسگاه‌های مرزی	۰,۷۶۲
۱۶	قاچاق گسترده	۰,۷۷۳
۱۷	افزایش قدرت و نفوذ گروه‌های معاند در آینده (پیوستن جوانان روستایی به آن‌ها)	۰,۹۱۴
۱۸	شورش و درگیری	۰,۸۷۷
۱۹	عدم مشروعیت نظام در این مناطق	۰,۷۹۳
۲۰	هدررفتن هزینه‌های انجام‌شده در زمینهٔ تأمین امنیت و توسعهٔ منطقه	۰,۷۳۲

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

عامل سوم

این عامل با مقدار ویژه برابر ۸,۶ و تبیین ۱۵,۶ درصد واریانس‌ها ۱۳ شاخص را در خود جای داده‌است. با توجه به ترکیب شاخص‌های تجمع‌یافته و اینکه دو شاخص تخریب زمین‌های زراعی و باغی و نیز کاهش توان تأمین نیازهای غذایی دارای بیشترین بارهای عاملی هستند، می‌توان این عامل را ناپایداری امنیت غذایی و محیطی-کالبدی نامید. اهمیت این قسم از ناامنی به این دلیل است که محیط طبیعی-کالبدی، هویت‌دهنده و بسترساز فعالیت‌های اقتصادی در محیط‌های روستایی بوده و تضعیف آن به معنی ایجاد ناامنی‌های اقتصادی و سپس آثار دیگر وابسته به ناامنی اقتصادی خواهد بود. در این ارتباط بایستی عنوان کرد که با تداوم بحران‌های محیطی (خشکسالی، سیل، فرایندهای دامنه‌ای) در مناطق موردِمطالعه به‌ویژه در شهرستان درمیان که با پدیدهٔ خشکسالی شدید و فراگیر مواجه است، زمین‌های زراعی و باغی با

تضعیف و تخریب همراه شده‌اند (بار عاملی ۰,۹۰۷)؛ درنتیجه تولید محصولات و درآمدهای روستاییان نیز (بار عاملی ۰,۸۲۰) کاهش یافته است تا برآیند این امر،کاهش توان تأمین نیازهای غذایی (گوشت، لبنیات و...) (بار عاملی ۰,۸۲۴) توسط سرپرستان خانوار باشد. البته در این ارتباط نباید از تورم افسارگسیختهٔ کنونی کشور که بیشترین تأثیر آن برروی قشر محروم خواهد بود، غفلت ورزید. در زمینهٔ دامداری نیز با توجه به تداوم بحران‌های محیطی (به‌ویژه خشکسالی) و کاهش میزان درآمد و پس‌انداز مردم که توان خرید و نگهداری از این احشام را کاهش می‌دهد، دامداری نیز با افول و رکود همراه شده‌است (بار عاملی ۰,۵۳۸). همچنین افزایش فضاهای ترسناک و خالی در روستاها (بار عاملی ۰,۸۲۲) که به‌واسطهٔ کاهش ساخت‌وساز و تخلیه و کاهش جمعیت روستاها اتفاق افتاده‌است و نمود آن در روستاهای کم‌جمعیت مناطق موردِمطالعه بسیار پررنگ است، یکی از عوامل مهم کاهش مطلوبیت چشم‌انداز روستاهای مناطق موردِمطالعه (۰,۸۱۵) در کنار دیگر پیامد منفی، یعنی تخریب اراضی طبیعی است که قدر مسلّم افزایندهٔ احساس ناامنی در میان روستاییان خواهد بود.

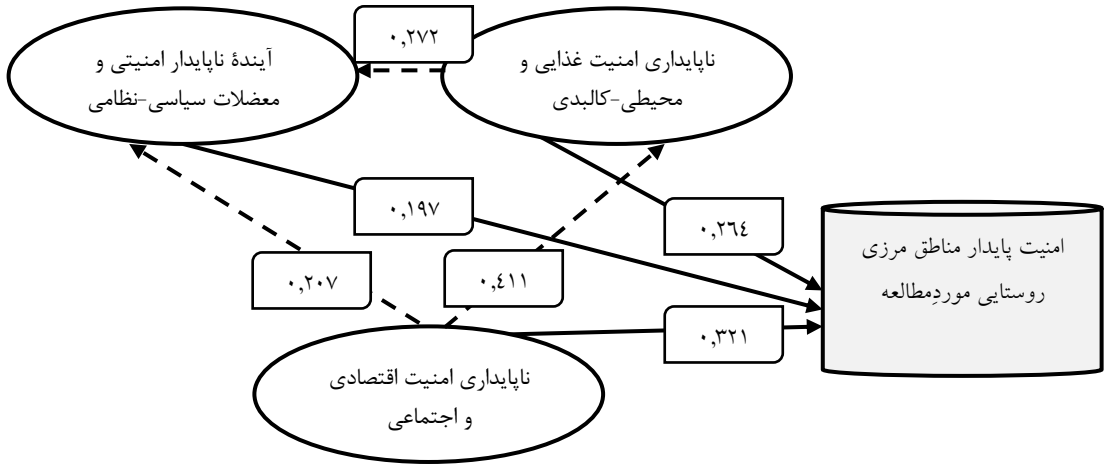
جدول ۷. شاخص‌ها و بارهای عاملی تجمع‌یافته در عامل سوم

ردیف	شاخص‌ها	بار عاملی
۱	تخریب زمین‌های زراعی و باغی	۰,۹۰۷
۲	کاهش توان تأمین نیازهای غذایی (تهیهٔ گوشت، لبنیات و...)	۰,۸۲۴
۳	تخریب زیرساخت‌های ارتباطی و مساکن	۰,۷۷۲
۴	انحلال تعاونی‌های تولیدی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در روستاها	۰,۸۰۳
۵	کاهش زیبایی و مطلوبیت چشم‌انداز روستایی	۰,۸۱۵
۶	کاهش تولید محصولات مصرفی خانوار	۰,۸۲۰
۷	کاهش توان پرداخت و تأمین هزینه‌ها خانوار از سوی سرپرستان خانوار	۰,۷۰۸
۸	خسارت‌های جانی و مالی به نیروهای و سازه‌های امنیتی و مرزی منطقه	۰,۶۱۸
۹	افزایش فضاهای ترسناک در روستاها (اراضی خالی و متروکه)	۰,۸۲۲
۱۰	تخلیه روستاهای کم‌جمعیت و نزدیک به مرزها	۰,۷۱۱
۱۱	کاهش تعداد و تنوع دام‌ها	۰,۵۳۸
۱۲	تغییر در ساختار و ترکیب جمعیتی در شهرهای مجاور این مناطق مرزی	۰,۶۲۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

در ادامه به‌منظور مشخص‌کردن اینکه کدام‌یک از عوامل ناپایداری امنیتی شناسایی‌شده حاصل از تداوم بحران‌های محیطی بیشترین تأثیر را به‌عنوان عاملی ناپایدارکننده در وضعیت پایداری امنیتی مناطق موردِمطالعه دارند (وضع موجود و آینده)، از آزمون تحلیل مسیر بهره گرفته شد. نوع تحلیل رگرسیون به‌کارگرفته به‌منظور تحلیل مسیر در این پژوهش، سلسله‌مراتبی است و این بدین معنی است که با بهره‌گیری از دیدگاه متخصصان و آگاهان عرصهٔ توسعهٔ روستایی منطقه ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته مورد سنجش قرار گرفته‌اند. متغیر مستقل، معضلات و ناپایداری‌های امنیتی حاصل از تداوم بحران‌های محیطی در مناطق است که در قالب عامل‌ها شناسایی و خلاصه شدند و متغیر وابسته نیز دیدگاه جامعهٔ آماری پژوهش در ارتباط با میزان اعتقاد آن‌ها به وضعیت پایداری امنیت در مناطق موردِمطالعه است که

در قالب ۳ گویه (رضایت از وضعیت توسعه‌ای (کیفیت زندگی) موجود، مطلوبیت و پایداری آینده امنیت منطقه، رضایت از وضعیت اقدامات انجام‌شده به‌منظور مهار و سازگاری با بحران‌های طبیعی منطقه) در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (۱= خیلی‌کم، ۲=کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= خیلی‌زیاد)، مورد سؤال واقع شد و پس از تلفیق و تغییر مقیاس به مقیاس فاصله‌ای، تأثیرات متغیرهای مستقل بر آن، مورد آزمون قرار گرفت. پس از مشخص کردن تأثیرات مستقیم (اثرات عامل‌ها (پیامدهای شناسایی‌شده) بر پایداری امنیت مناطق موردِمطالعه)، تأثیرات غیرمستقیم نیز که حاصل از ارتباطات درونی عوامل شناسایی‌شده بود، مورد محاسبه قرار گرفت (با جایگزینی متغیرهای مستقل و وابسته) و درنهایت با جمع کردن اثرات مستقیم و غیرمستقیم، بار کلی و اثر نهایی هر عامل بر وضعیت پایداری امنیتی مناطق مرزی موردِمطالعه مشخص شد. لازم‌به‌ذکر است که مسیرها و ارتباطاتی مورد تأیید و پذیرش قرار گرفتند که مقدار معنی‌داری آن‌ها کمتر از ۰,۰۵ محاسبه شده باشد. مقدار ضریب تبیین به‌دست‌آمده نیز برابر با ۰,۷۱۲ است و این بدین معنی است که متغیرهای مستقل اولیه (عوامل شناسایی‌شده) قابلیت تبیین ۷۱ درصد از تغییرات متغیر وابستهٔ پژوهش (امنیت پایدار مناطق) را دارند. همان‌طورکه نتایج آزمون، در شکل ۳ و جدول ۸ نشان داده‌شده‌است، ناپایداری امنیت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر را (بار کلی برابر با ۰,۴۹۲) بر امنیت پایدار مناطق روستایی مرزی موردِمطالعه (وضعیت کنونی و آینده) به‌واسطهٔ اثرپذیری از بحران‌های محیطی دارا هستند. این چالش‌ها و اثرات نامطلوب اقتصادی و اجتماعی برجای‌مانده از بحران‌های حاصل از مخاطرات محیطی در مناطق مرزی موردِمطالعه علاوه‌بر تأثیر مستقیم، به‌صورت غیرمستقیم نیز با اثرگذاری و شکل‌دهی زمینه‌های ضعف و ناامنی در عرصه‌های امنیت غذایی و محیطی و امنیت سیاسی-نظامی، موجب تشدید ناپایداری امنیتی در منطقه شده‌اند.



شکل ۳. مدل نهایی تحلیل مسیر و ارتباطات عوامل ناپایدارکنندهٔ امنیتی در میزان پایداری امنیتی مناطق مرزی روستایی موردِمطالعه به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی،

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

جدول ۸. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و بار کلی عوامل ناپایدارکنندهٔ امنیتی در میزان پایداری امنیتی مناطق مرزی روستایی موردِمطالعه به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی

عوامل (چالش‌های ناپایدارکنندهٔ امنیتی شناسایی‌شده)	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	بار کلی
آیندهٔ ناپایدار امنیتی و معضلات سیاسی-نظامی	۰,۱۹۷	---	۰,۱۹۷
ناپایداری امنیت غذایی و محیطی-کالبدی	۰,۲۶۴	۰,۰۵۳	۰,۳۱۷
ناپایداری امنیت اقتصادی و اجتماعی	۰,۳۲۱	۰,۱۷۱	۰,۴۹۲

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت تأمین پایداری در عرصهٔ امنیت به‌عنوان پارادایم قابلِ‌قبول کنونی در عرصهٔ مدیریت توسعه و امنیت در نواحی مرزی که مبتنی‌بر دیدی فرصت‌محورانه است، به بررسی تأثیرات یکی از عوامل و تهدیدهای نوین مختل‌کنندهٔ امنیت یعنی مخاطرات محیطی و بحران‌های ناشی از آن در نواحی روستایی شهرستان‌های مرزی «سروآباد» در استان کردستان و «درمیان» در استان خراسان جنوبی پرداخت تا بدین‌ترتیب بتوان اثرپذیری امنیت نواحی مرزی را در قسمت شرق و غرب کشور از بحران‌های محیطی مورد سنجش قرار داد. دراین‌راستا نیز سؤال‌هایی مطرح شدند که پاسخ‌های آن‌ها با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از پیمایش میدانی به شرح زیر است:

سؤال اول: مهم‌ترین پیامدهای تداوم بحران‌های محیطی بر پایداری امنیتی روستاهای شهرستان‌های مرزی سروآباد و درمیان کدام‌اند؟ یافته‌های حاصل از تکنیک تئوری بنیادی و سپس آزمون تحلیل عاملی، به‌منظور تأیید آن‌ها نشان داد که در ابتدا تداوم بحران‌های محیطی موجب ناپایداری امنیت در عرصه‌های مختلف آن در مناطق موردِمطالعه شده‌است. این ناپایداری‌های امنیتی در ۵۳ شاخص در قالب ۳ عامل آیندهٔ ناپایدار امنیتی و معضلات سیاسی-نظامی، ناپایداری امنیت غذایی و محیطی-کالبدی و ناپایداری امنیت اقتصادی و اجتماعی، جای گرفتند. این وضعیت نشان داد که مخاطرات محیطی ایجادشده به‌واسطهٔ ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت عرصهٔ توسعهٔ منطقه به بحران‌هایی تبدیل شده‌اند که با توجه به قرارگرفتن کیفیت زندگی در هستهٔ اصلی امنیت پایدار، موجب کاهش کیفیت زندگی و درنتیجه ناپایداری امنیتی در منطقه شده‌اند. همچنین ناپایداری‌های امنیتی ایجادشده علاوه‌بر دربرگرفتن و ایجاد وضعیت نامطلوب امنیتی در روستاهای منطقه با توجه به اثرگذاری امنیت مناطق مرزی در امنیت ملی و عمومی کشور موجب ایجاد ناپایداری‌هایی در عرصهٔ امنیت ملی کشور شدند که نه‌تنها در عرصهٔ امنیت سیاسی و نظامی بودند، بلکه در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز چالش و تهدیدهایی برای امنیت ملی کشور ایجاد کرده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش قاچاق کالا، افزایش تبلیغات رسانه‌های معاند، ایجاد نابرابری و ناعدالتی، فاصله‌گرفتن مردم محلی از نظام، ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی و افزایش هزینه‌های تأمین امنیت مرز (مالی و جانی)، اشاره کرد. در زمینهٔ ناامنی‌های اقتصادی ایجادشدهٔ حاصل از تداوم بحران‌های محیطی، خروج سرمایه‌ها، پس‌اندازهای روستاییان و نیروی کار، کاهش تولید محصولات کشاورزی و عدم جذب و تمایل سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی به سرمایه‌گذاری در توان‌های اقتصادی منطقه نتیجهٔ ایجاد محیطی امنیتی و انسدادی در مرزهای این منطقه هستند که به‌واسطهٔ اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم تداوم بحران‌های محیطی در منطقه شکل گرفته‌اند. همچنین در زمینه محیطی-کالبدی نیز مهم‌ترین ناپایداری ایجادشده تخریب زیرساخت‌ها و

کاهش تولیدات روستاییان به‌واسطهٔ تخریب زمین‌ها و مزارع و کاهش توان مالی آن‌ها برای فعالیت و سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف کشاورزی بود که با توجه به تورم افسارگسیخته موجود، امنیت غذایی خانوارهای روستایی با تهدید جدی و ناپایداری روبه‌رو گشته است. در مجموع در عامل ناپایداری اقتصادی و اجتماعی، کاهش حسِ‌تعلق و وفاداری مردم محلی به نظام (بار عاملی ۰,۹۲۸)، افزایش فقر و فرهنگ آن (بار عاملی۰,۹۴۴)، عدم همکاری مردم محلی با مسئولان در اجرای طرح‌های امنیتی و توسعه‌ای (بار عاملی ۰,۹۱۶) و گرایش به قاچاق کالا (بار عاملی ۰,۹۰۰) در عامل آیندهٔ ناپایدار امنیتی و معضلات سیاسی-نظامی در عرصهٔ امنیت ملی، رواج فرهنگ قانون‌گریزی (بار عاملی ۰,۹۵۰)، افزایش هزینه‌های حفاظت از مرز (بار عاملی ۰,۹۴۵)، افزایش تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای علیه نظام (۰,۹۲۱)، افزایش قدرت و نفوذ گروه‌های معاند در آینده (بار عاملی ۰,۹۱۴) و افزایش دید امنیتی و انسداد مرزهای منطقه (بار عاملی ۰,۹۰۸) و در عامل ناپایداری امنیت غذایی و محیطی-کالبدی، تخریب زمین‌های زراعی و باغی (بار عاملی ۰,۹۰۷)، کاهش توان تأمین نیازهای غذایی (بار عاملی ۰,۸۲۴) و شاخص کاهش تولید محصولات مصرفی خانوار (بار عاملی ۰,۸۲۰) دارای بیشترین بارهای عاملی و اثرگذاری در ناپایداری عامل‌های تشکیل شده بودند.

سؤال دوم: مؤثرترین عامل یا پیامد بر وضعیت پایداری امنیت، در روستاهای شهرستان موردِمطالعه کدام‌یک از پیامدهای شناسایی‌شده هستند؟ درراستای پاسخگویی به این سؤال پژوهش از آزمون تحلیل مسیر بهره گرفته شد. نتایج حاصل از ارتباطات و اثرگذاری عوامل ناپایدارکنندهٔ امنیت مناطق موردِمطالعه به‌واسطهٔ تداوم بحران‌های محیطی، نشان دادند که ناپایداری امنیت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، بیشترین تأثیر را (بار کلی برابر ۰,۴۹۲) بر امنیت پایدار مناطق روستایی مرزی موردِمطالعه (وضعیت کنونی و آینده) به‌واسطهٔ اثرپذیری از بحران‌های محیطی دارد. در این ارتباط، بایستی عنوان شود که با توجه به اینکه کیفیت مطلوب زندگی، هستهٔ اصلی امنیت پایدار است، در مناطق درحاشیه و محروم مرزی، امنیت اقتصادی، زیربنایی مهم و زمینه‌ساز، به‌منظور پایداری سایر ابعاد امنیتی محسوب می‌شود، چراکه فقر و محرومیت اصلی‌ترین موانع تحقق توسعه و امنیت پایدار در این مناطق هستند که به‌دلیل دید تمرکزگرایانه در تخصیص منافع توسعه در کشور علاوه‌بر انزوای جغرافیایی، در انزوای اقتصادی و اجتماعی نیز قرارداده شده‌اند. براین‌اساس هر برنامهٔ تأمین‌کنندهٔ امنیت پایدار مناطق مرزی، زمانی به ثمر خواهد رسید که موجب بهبود شاخص‌های پایداری اقتصادی و درواقع ارتقای سطح معیشت و کِیفیت زندگی خانوارها شود. درواقع تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، نبایستی تنها با دید انتظامی و انسدادی نگریسته شود، همچنانکه در مناطق موردِمطالعه هم مشاهده می‌شود که انسداد شدید مرزها هم نتوانست امنیت پایدار را تأمین کند و بسیاری از روستاها و روستاییان به‌دلیل تداوم فقر و بیکاری که قسمت عمده‌ای از آن‌ها به‌ویژه در شهرستان درمیان ناشی از تداوم بحران‌های محیطی است، از مناطق مرزی مهاجرت کرده که این امر موجب افزایش آسیب‌پذیری و ایجاد حفره‌های امنیتی در این مناطق و افزایش هزینه‌های تأمین امنیت خواهد شد. در این ارتباط، می‌توان به اثرگذاری ناپایداری اقتصادی و اجتماعی بر ناپایداری امنیت محیطی، غذایی و امنیت سیاسی و نظامی اشاره کرد که در آزمون تحلیلی مسیر، تأیید شدند، چراکه نامطلوب‌بودن شاخص‌های اقتصادی، همچون: میزان درآمد، پس‌انداز، تنوع شغلی، افزایش بیکاری، موجب ایجاد فقر اقتصادی می‌شود و فقر اقتصادی نیز مسبب ایجاد فقر اجتماعی-فرهنگی است

که از مهم‌ترین پیامدهای آن در مناطق موردِمطالعه ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی، تحت‌تأثیرقرارگرفتن روستاییان توسط تبلیغات رسانه‌ها و گروهای معاند، ایجاد گروه‌های سازمان‌یافتهٔ مجرمانه، افزایش رادیکالیسم مذهبی، افزایش حس ناامنی، افزایش جرم و نزاع و درگیری بوده که درنهایت، این‌ها می‌توانند به شورش و ناامنی ختم شوند. همچنین فقر اقتصادی سبب می‌شود که تخریب محیط طبیعی به‌دلیل بهره‌گیری روستاییان از آن برای تأمین معیشت افزایش یابد که این امر قرارگرفتن در یک دور باطل است که به افزایش ناپایداری‌های امنیتی می‌انجامد. از دیگر نکات مهم در مدل نهایی تحلیل مسیر، می‌توان به اثرگذاری و ارتباط متقابل تأثیرات ناپایداری امنیتی حاصل از تداوم بحران‌های محیطی اشاره کرد که این امر، نشان از سیستمی‌بودن و ارتباط درونی ابعاد مختلف امنیت پایدار بر همدیگر دارد که تضعیف یک بُعد می‌تواند تضعیف ابعاد دیگر و درنهایت کل مجموعه را به‌دنبال داشته باشد. اما نکتهٔ قابلِ‌توجه، اثرگذاری دو عامل ناپایداری امنیتی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز محیطی-کالبدی بر ناپایداری امنیت سیاسی- نظامی در عرصهٔ امنیت ملی است. بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که مسیر امنیت پایدار ملی از تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی می‌گذرد و نمی‌توان با بی‌توجهی به این مناطق در مسیر امنیت پایدار ملی گام برداشت.

درنهایت با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، در ابتدا پیشنهاد می‌شود که مخاطرات محیطی و بحران‌های ناشی از عرصهٔ مدیریت توسعه و امنیت این مناطق جدی گرفته شود و عزم جدی برای مهار و سازگاری با آن‌ها شکل گیرد. همچنین دید امنیتی مدیریت مناطق بایستی از دید تهدیدمحورانه به فرصت‌محورانه تبدیل شود و دراین‌راستا امنیت و توسعهٔ منطقه در قالب امنیت پایدار و در ارتباط متقابل با یکدیگر دیده شوند. همچنین به‌منظور خروج این مناطق از جوّی امنیتی، در ابتدا نیاز است که روش‌های انسدادی شدید کنونی به روش‌ها و فناوری‌های نوین در حفاظت از مرزها تغییر یابد. از سویی دیگر، با توجه به دخیل‌بودن نهادها و ارگان‌های مختلف در عرصهٔ تأمین کیفیت مطلوب زندگی روستاییان که هستهٔ اصلی امنیت پایدار به‌شمار می‌رود، نیاز است که نهادی واحد و مرکّب از تمامی نهادها و ارگان‌های امنیتی و توسعه‌ای منطقه تشکیل شود تا اجرای برنامه‌ها به‌صورت هماهنگ و مؤثر انجام شود و از موازی‌کاری پرهیز شود. با توجه به اهمیت ناپایداری اقتصادی در ناپایداری امنیت مناطق موردِمطالعه می‌بایست سعی در ایجاد تنوع اقتصادی در منطقه به‌عنوان رویکرد اصلی پذیرفته‌شده در عرصهٔ تحول اقتصاد روستایی در عصر حاضر کرد. در این ارتباط، بازگشایی و تقویت بازارچه‌های مرزی این مناطق می‌تواند زمینه‌های قاچاق کالا را هم کاهش دهد. ایجاد صنایع تبدیلی در عرصهٔ کشاورزی به‌عنوان توان اصلی این مناطق (محصولات باغی در شهرستان سروآباد و زرشک در شهرستان درمیان)، ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری یا تعاونی‌های تولید از پس‌اندازهای خُرد روستاییان با مشارکت بخش دولتی، آموزش روستاییان درجهت افزایش مهارت‌های عملی و حرکت به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی، فعال‌کردن پتانسیل گردشگری در این مناطق با فرآهم‌آوری خدمات و امکانات رفاهی و اقامتی با توجه به پتانسیل بالا در شهرستان سروآباد و روستاهای با معماری بومی در شهرستان درمیان، کِشت محصولات سازگار و متناسب با وضعیت کم‌آبی موجود در شهرستان‌ها، برندسازی محصولات استراتژیک منطقه مانند زرشک و انار در سروآباد، پیشنهاد می‌شود. همچنین، ضروری است که منابع مالی از سوی دولت در قالب وام‌های کم‌بهره و بلندمدت و همچنین، سرمایه‌های بخش خصوصی به‌منظور سرمایه‌گذاری در

توانمندی‌های این شهرستان‌ها اختصاص‌یافته و جذب شوند (لازمهٔ این امر خروج جوّ منطقه از مدیریت انسدادی است). در عرصهٔ امنیت اجتماعی نیز لازم است که پوشش بیمه‌ای در میان روستاییان به‌ویژه در زمینهٔ محصولات زراعی و باغی توسعه یابد. در عرصهٔ رسانه‌هابایستی رسانه‌های محلی و استانی به پوشش و توجه بیشتر به این مناطق و آسیب‌های ناشی از تداوم مخاطرات محیطی بر آن‌ها بپردازند. همچنین تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی با تأکید بر روستاهای کم‌جمعیت در این مناطق درجهت کاهش حس نابرابری میان روستاییان و افزایش تاب‌آوری آن‌ها در برابر مخاطرات محیطی موجود، بسیار ضروری است.

منابع

احمدی، خدابخش. (۱۳۸۳). اصول و روش‌های مداخلهٔ روانی در بحران حوادث. مجلهٔ طب نظامی، سال ۲، شمارهٔ ۶، صص ۵۱-۴۵.

الوانکار، سیدرضا؛ نظری، فرزانه؛ فتاحی، ابراهیم. (۱۳۹۵). تأثیر تغییر اقلیم بر شدت و دورهٔ بازگشت خشکسالی‌های ایران. نشریهٔ تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، سال ۲، شمارهٔ ۳، صص ۱۲۰-۹۹.

آزادبخت، بهرام؛ رضایی، مژگان. (۱۳۹۱). نقش مخاطرات محیطی در امنیت مرزی (مطالعهٔ موردی: زاهدان). همایش شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، زاهدان، دانشگاه سیستان بلوچستان.

آشنا، حسام‌الدین؛ اسمعیلی، محمدصادق. (۱۳۸۸). امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و انسانی. فصلنامهٔ راهبرد فرهنگ، سال ۱، شمارهٔ ۵، صص ۸۳-۷۹.

آقایی، علی اکبر و تاش، تیمور(۱۳۸۹). بررسی رابطه و فرآیند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی، مجله علمی تخصصی دانشنامه، سال ۳، شماره ۷۸، صص۲۲-۳.

باقری، حسین؛ موسوی، سید علیرضا؛ لطفی، مصطفی. (۱۳۹۳). الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامهٔ مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال ۹، شمارهٔ ۳۲، صص ۱۷-۵۰.

باقری، نجات. (۱۳۸۹). نقش ویژگی‌های طبیعی در ناپایداری روستاها با تأکید بر توپوگرافی: شهرستان زنجان (۸۵-۱۳۷۵). پایان نامهٔ کارشناسی‌ارشد رشتهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان.

بذرافشان، جواد؛ طولابی‌نژاد، مهرشاد. (۱۳۹۵). تحلیل اثرات و کارکردهای سرمایهٔ اجتماعی در امنیت پایدار روستاهای مناطق مرزی بخش مرکزی شهرستان سراوان. فصلنامهٔ تحقیقات کاربردی، سال ۱۶، شمارهٔ ۴۱، صص ۷۶-۵۵.

حیدری، وحید؛ جمشیدی، ابراهیم. (۱۳۹۵). بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران. فصلنامهٔ راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال ۵، شمارهٔ ۲۱، صص ۲۳۱-۱۹۹.

حیدری‌فر، رئوف؛ رضایی، ناصر. (۱۳۹۶). ضرورت توجه به مخاطرات محیطی از رهیافت امنیت ملی (با تأکید بر امنیت زیست‌محیطی). دوفصلنامهٔ حقوق محیطِ‌زیست، سال ۲، شمارهٔ ۱، صص ۴۹-۳۸.

دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۸۴). تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی. دوماهنامهٔ علمی-پژوهشی، دانشگاه شاهد، سال ۱۲، شمارهٔ ۱۱، صص ۵۷-۷۰.

رضازاده، زهرا؛ شاطری، مفید؛ راستی، عمران. (۱۳۹۳). اقدامات توسعه و نقش آن در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی (مطالعهٔ موردی: مرز خراسان جنوبی با افغانستان). فصلنامهٔ مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، سال ۹، شمارهٔ ۱، صص ۴۹-۷۲.

رضیئی، طیب. (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های خشکسالی در منطقهٔ خشک و نیمه‌خشک ایران. فصلنامهٔ مهندسی و مدیریت آبخیز. سال ۴، شمارهٔ ۷، صص ۳۷۸-۳۶۳.

رهنمایی، محمدتقی؛ پورموسوی، سید موسی. (۱۳۸۵). بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلان‌شهر تهران براساس شاخص‌های توسعهٔ پایدار شهری. پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۸، شمارهٔ ۵۷، صص ۱۹۳-۱۷۷.

زاهدی، شمس‌السادات؛ نجفی، غلامعلی. (۱۳۸۴). بسط مفهومی توسعهٔ پایدار. فصلنامهٔ مدرس علوم انسانی، سال ۱۰، شمارهٔ ۴، صص ۷۶-۴۴.

زرقانی، سید هادی؛ عباس‌زاده، مریم؛ موسوی، محمد باقر؛ سعادتی، زهرا (۱۳۹۷). تحلیل و آثار پیامدهای اجتماعی-امنیتی خشکسالی با تأکید بر مرزها شرقی. دهمین کنگرهٔ انجمن ژئوپولتیک و دومین همایش جغرافیا و برنامه‌ریزی مناطق مرزی ایران، خراسان جنوبی، دانشگاه بیرجند.

سرور، رحیم؛ محمدی، سمیه؛ ویسان، محمد. (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی درراستای تحقق امنیت پایدار (مطالعهٔ موردی: شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی). پژوهشنامهٔ جغرافیای انتظامی، سال ۲، شمارهٔ ۷، صص ۲۵-۵۴.

طبرسا، غلامعلی. (۱۳۸۳). تبیین شاخص‌های مدیریت حوادث با رویکرد پیشگیری از وقوع بحران. فصلنامهٔ کمال مدیریت، سال ۱، شمارهٔ ۵، صص ۷۳-۵۳.

عباس زاده، هادی؛ کرمی، کامران. (۱۳۹۰). سرمایهٔ اجتماعی و امنیت ملی پایدار. فصلنامهٔ مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شمارهٔ ۵۱، صص ۵۸-۳۱.

علایی، حسین. (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌سالهٔ جمهوری اسلامی ایران، فصلنامهٔ راهبرد دفاعی، سال ۱۰، شمارهٔ ۳۹، صص ۳۴-۱.

علیزاده، عمران؛ پیشگاهی‌فرد، زهرا. (۱۳۹۰). امنیت زیست‌محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱. چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ۶، شمارهٔ ۱۴، صص ۱۱۹-۱۰۷.

فتحی پور، ارسالان؛ قدمی، محسن؛ هندیانی، عبدالله. (۱۳۹۷). جایگزینی صنعت گردشگری با درآمد نفت: ضرورت تحقق امنیت پایدار. فصلنامهٔ مطالعات راهبردی، سال ۲۱، شمارهٔ ۸۱، صص ۵۵-۳۴.

فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ وزیری، جواد. (۱۳۸۸). شایستگی دستیابی به سامانهٔ دفاعی؛ یک نظریهٔ داده‌بنیان. فصلنامهٔ سیاست علم و فناوری، سال ۲، شمارهٔ ۲، صص ۹۶-۷۷.

فرمانداری شهرستان درمیان.(۱۳۹۷)، وضعیت اشتغال در شهرستان درمیان، برگرفته شده از سایت: http://www.sk-darmian.ir/

فنی، ام‌السلمه؛ علیجانی، بهلول. (۱۳۹۳). تحلیل فضایی خشکسالی‌های بلندمدت ایران. پژوهش‌های جغرافیای طبیعی. سال ۳، شمارهٔ ۴۵، صص ۱۲-۱.

قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۴). امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی. فصلنامهٔ مطالعات راهبردی، سال ۶، شمارهٔ ۴، صص ۸۳۰-۸۱۷.

قیصری، نورالله و حسینی، مهدی. (۱۳۹۲). ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار؛ مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی. فصلنامهٔ آفاق امنیت، سال ۵، شمارهٔ ۲۰، صص ۲۸-۱۷.

کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۹۰). امنیت زیست‌محیطی از منظر ژئوپولتیک. نشریهٔ تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دورهٔ ۲۰، شمارهٔ ۲۳، صص ۱۰۶-۸۵.

کریمی، مرتضی؛ احمدی، مرتضی. (۱۳۹۲). پیامدهای امنیتی ناشی از مخاطرات محیط (زلزله) در کلان‌شهر تهران. فصلنامهٔ پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین، سال ۲، شمارهٔ ۳، صص ۱۰۴-۷۹.

متقی، افشین؛ کاویانی راد، مراد؛ نجفی، سجاد. (۱۳۹۴). رابطهٔ امنیت زیست‌محیطی با امنیت ملی (مطالعهٔ موردی بیوتروریسم). فصلنامهٔ مجلس و راهبرد، سال ۲۲، شمارهٔ ۸۳، صص ۹۰-۷۵.

مختاری‌هشی، حسین؛ وزین، نرگس؛ قادری‌حاجت، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامهٔ جغرافیا و سرزمین، سال ۱۴، شمارهٔ ۵۴، صص ۶۰-۴۳.

مرادی، ناهید. (۱۳۹۱). شهرهای مرزی و مسائل امنیتی و انتظامی آن‌ها. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

مرکز آمار ایران.(۱۳۹۷)، فرهنگ آبادی‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵شهرستان‌های سروآباد و درمیان.(۱۳۹۵)، منتشر شده توسط مرکز آمار آمار ایران.

میر، علی؛ میر، سعید؛ خلیل‌زاده، معصومه. (۱۳۹۴). سرمایهٔ اجتماعی و نقش آن در احساس امنیت (موردِمطالعه: استان لرستان). فصلنامهٔ مدیریت سرمایه اجتماعی، سال ۲، شمارهٔ ۴، صص ۶۰۳-۵۸۵.

نصری، قدیر. (۱۳۸۱). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. نشریهٔ راهبرد، سال ۱، شمارهٔ ۱، صص ۱۲۸-۱۱۳.

نیک‌بین، مهنا؛ کرمی، مهرداد. (۱۳۹۱). بررسی پایداری اجتماعی-فرهنگی توسعهٔ گردشگری (مطالعهٔ موردی: جزیرهٔ کیش). فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ۵، شمارهٔ ۲، صص ۱۵۷-۱۳۵.

sustainable security and development. Journal of Human Development.Vol. 4,No.2,pp289-313.

Mesjasz, C.(2004).Security as an analytical concept. Paper presented at the ۵th Pan-European conference on International Relations, in The Hague, Cracow University of Economics Cracow, Poland.

Moghim, S.,& Garna, R. K.(2019). Countries' classification by environmental resilience.Journal of Environmental Management .Vol.230,No.29, pp 345–354.

Newman, J. P., Maier, H. R., Riddell, G. A., Zecchin, C.,& Daniellm, J. E.(2017). Review of literature on decision support systems for natural hazard risk reduction: Current status and future research directions. Environmental Modelling & Software. Vol. 96,No.20 ,pp 378-409.

Pranevičienė, B.,& Vasiliauskienė, V.(2018). Security in crisis situations: the problems of the limits of the human rights. journal of security and sustainability issues.Vol. 7, N. 3, pp 438-451.

Quandt, A.(2017).Measuring livelihood resilience: The Household Livelihood Resilience Approach (HLRA). World Development. Vol.107,No.35, pp 253–263.

Rezaeia, R., Gholifarb, E., & Safa, L.(2016). Identifying and explaining the effects of drought in rural areas in Iran from viewpoints of farmers (Case Study: Esfejin village, Zanjan county).journal of Desert .Vol.21,NO.3, pp 56-64.

Richard, J., & Basu Ray, D.(2007). Human Security: National Perspectives and Global Agendas. Journal of International Development. No.4,Vol,19,pp 457-472 1.

WFP.(2008). Managing weather risk for agricultural development and disaster risk reduction, at:https://maintenance.ifad.org/documents/38714170/39150184/Managing+weather+risk+for+agricultural+development+and+disaster+risk+reduction.pdf/f71b7b63-0b05-445e-a474-fc1c827e72a1.

Zala, B.(2010). Looking for leadership: sustainable security in latin america & the caribbean , Oxford Research Group(building bridge for global security), at: https : //www. files .ethz .ch /isn / 121908/10-09 _ Looking %20 for% 20 Leadership_0.pdf.

Ziervogel, G., & Ericksen, P.(2010). Adapting to climate change to sustain food security. WIREs Climate Change,Vol,1,No,1,pp 525-540.

Baldwin, D. (1997). Studies Association The concept of security. Review of International Studies. Vol. 23, No. 2, pp.5-26.

Biswas, N. R.(2011). Is the environment a security threat? environmental security beyond securitization .international affairs review, Vol. 20, No. 1,pp1-22.

Brauch, H. G.(2015). Security Threats, Challenges, Vulnerability and Risks , International security, peace. development and environment, Vol. I, Encyclopedia of Life Support Systems (EOLSS) . at: https : // www.eolss.net/Sample-Chapters / C14 /E1-39B-02.pdf.

Brown, O.(2005).The Environment and our Security How our understanding of the links has changed. A contribution to the International Conference on Environment, Peace and Dialogue among Civilizations Tehran, Iran, May 9–10, Published by the International Institute for Sustainable Development.

Chandler, D.(2007). The security–development nexus and the rise of ‘anti-foreign policy. Journal of International Relations and Development .Vol. 10, No. 4, pp 362-386.

Davies, T., & Davies, A.(2018). Increasing communities’ resilience to disasters: An impact-based approach. International Journal of Disaster Risk Reduction. Vol.,31,No.8 ,pp742–749.

Department of Defense (U.S.).(2015). National security implications of climate-related risks and a changing climate. at:https: //archive.defense.gov / pubs/150724-congressional-report-on-national-implications –of - climate-change.pdf ?source = govdelivery.

Etkin, D.(2016). Hazard, Vulnerability, and Resilience, Disaster Theory An Interdisciplinary Approach to Concepts and Causes. Publication: Woburn, United States.

Ignacio, J .,& Rivero ,M. S .(2009). Measuring tourism sustainability: proposal for a composite index. Tourism Economics. No.2,Vol,15,pp 277–296.

Janoušková, S., Hák, T.,& Oulehlová, A.(2014).Environmental Security: What Conceptual Framework?. International Conference on Agriculture, Biology and Environmental Sciences (ICABES'14) Dec. 8-9, 2014 Bali (Indonesia) http://dx.doi.org/10.17758 / IAAST . A1214029 21.

Khagram, S.., Clark, W., & Firas., R. D.(2003). From the environment and human security to